

واقعات را بنده و دیگران مکرر عرض کرده‌ایم
نظر بر اینکه شاید بعضی از حقیقت این حبش اخیر
ملی واقف نباشند عرض می‌نماید

بعد از آنکه از فشار ملت اعلان مشروطیت
داده شد ماکول تمدن اهالی اطهار مسرت نمودند
این اطهار مسرت ملت را دو تپان حل بر ساسه
لوحی نموده هیئت وزرا مصمم شدند که بار با ناط
تو حالی سرملب را گرم نموده قوای ملی را سلب
نمایند . ماشاره حضرت اشرف سپه‌دار اعظم ملت ده
استدعا از دولت نمود و تمام را شاه قبول کرد دو ماه
است اعلان مشروطیت داده و ملت همه قسم تسلیم
شده . ولی يك از مقاصد ده گانه ملی را انجام نداده
سهل است همه روزه بر تصرفت خارجه از زوده مرید
يك گونه پریشان حالی امانی کردیدند . قومایان را
در جنوب و رحیم حر و شاهسوها را در شمال
به اغتشاش و قتل و عارت اهالی و ادار و قشون
روس را وارد شهر مشهد = رده همه دوه
حکومت قوسل خزل روس داده و دو بیست نفر
بیگناه را بتل رسایدند . و بدریغه پایندگان خارجه
هر روز روسای مشروطیت را تهدید میکردند . یکجا
بمصمام السلطنه و سردار اسعد چان و چنین گفتند .
یکطرف به تهدید روس سپه‌دار اعظم را محسوم
رسمی گیلان و مازندران مجبور کردند تا اینکه رفته
رفته حکومت معنوی همه ایران را محارجه سپردند
ار همه بالاتر اشاعه اخبارات خارجه بود که مقاوله
نامه بن شاه و دو تن روس و انگلیس را حاضر داشت
که ایران را بکده . عاری از استقلال نموده بود
این بود که سرداران ملی این دفته تشه حرکات
خودشان را مستور داشته و مستند گردیدند که
اگر خارجه دحالت نمود از پای بایستند ، بکشند و کشته
شوند ، بزنند و بخورند . یا روسی روم شود یا زسی
زنک . و این سنگ را مرکز بر خود هموار نمایند .
محض اتمام حجب تاگرافات ذیل را بدربار مخاره
نمودند . و برخی حواها بخوبی خیالات درباریانرا
ظاهر ساخت . جمیع این فته و فساد را (سعدالدوله)
برای وزارت چند روزه خود نموده . این مرد
نه تنها مخالف با آزادی ملت است ، بلکه دولت

را هم فدای اغراض شخصی خویش ساخته و ماته
همین سعدالدوله زود یا دیر شاه را بخوابانک سباه خوا
نشانید ، امروز در دربار فاعل غلج تار سعدالدوله
و جاسوس خارجه هم تشریف دارند . و باین حرکت
وطن فروشانه خارجه را مؤید وزارت سحر پیشتر
داده خداوند این گونه رجال ملت کش وطن کر
را هیچ ملت و دولت ندهد . مخبرات تلگرافی ولایات
و جواب برخی از آنها بموجب ذیل است و از
مداقه در آن مخبرات دقایق امور را دریافت توانید کرد
تلگراف سگراف سعدالدوله بانجمن ولایتی اصفهان
چون کیتة واسطه اصهار عدم مداخله و ترک
توسط نموده بود . تلگرافی که از انجمن ولایتی اصفهان
و عموم علماء و تجار و اهالی آنها رسیده بود
تلگراف احواله بموجب اطهار کیتة راجع باین جانب
نمود و آن این است که در جواب زحمت میده
از اندامات وطن پرستانه آن حانان بعد از اعلان
اعاد مشروصیت تمام در نزد عقلاء مقبول و از پشکاه
مقدس همایونی پسندیده و موافق قوانین اساسی بود است
حال باید دست از این اندامات که چراغان و
اطهار وحد و شرف و عرض تبریکات و تسلیم کردن
تلگراف احواله بمباشرین دولتی و قبول نائب الحکومه و
عدم مداخله در امر مالیه و تسلیم نورخانه و توپخانه
اهالی اصفهان چه ضروری دیده‌اند که حال میخواهد
گوش سبحای ارا حیب آشوب طلبان و منسده
حویان که ار گوشه و کنار ایران بتوسط بست یا آنها
مینویسند اعتنا کنند ، خیلی حای تاسف است بعد از
این همه مدت و تجارب و بعد از آن همه ابتهالات
و صدعات جاسور که در راه مشروطیت این بنده
کشیده هر چند مینویسم و میگویم در جنب اطهرات
مسدین مستهک و کان لم یکن شمرده میشود ، خیلی
محل امسوس است که اهالی صالح طلب اصفهان پاره
اطهرات ب اصل و اساس را محل اعتنا ندارند . آیا
در میان ایشان يك نفر که بر اصول مشروطیت و بر
اساس موازین و قواعد آن مطلع باشد پیدا نمیشود
که رفتار و گفتار مسدین را تکذیب نماید؟ و بر شما
معلوم کند که از چه راه و برای چه چیز است ، و
حال اینکه میدانم جناب آقای سردار اسعد و آقای
آقا میرزا ابراهیم خان در آنجا باین مطلب خوب آشنا
هستند ، و باید بایشان مراجعه نمود ، که فرخا اگر

شهر طهران تحت حکومت نظامی درآمده باشد در ممالک متروکه اتفاق می افتد که بواسطه انتشارش و انقلاب شهری را تحت حکومت نظامی درمی آرند، تا چه رسد باینکه اصل موضوع شلط و خبر بکلی بی اصل است، کی و کجا طهران در تحت حکومت نظامی است، جز آنکه پیش از تشکیل این کابینه اهالی این شهر خواب راحت نداشتند و حالا ترتیب در امر پلیس آنجا داده شده است، عده قزاقی و ژاندارم شها با کمال مراقبت مشرک حفظ و حراست هستند و همگی آسوده شده آیا این هم محل ایراد می تواند شد؟ خبر زیاد کردن قشون کاشان هم بکلی بی اصل است و اگر بفرستند و ملاحظه کنند معلوم خواهد شد که نصف قشون سابق نمانده است

در مسئله آذربایجان هم گویا باصل موضوع بی نبرده اید که چه اقدامات بی مطالعه قشون خارج را بداخله مملکت جلب کرد، و حال هم که اهالی ملت بی بیانی شده اند خواهند دید که یک پیچیدگی و منطه عظیم عتب خواهد داشت و قس علی هذا.

اخباریکه با آنجا نوشته اند تمام از روی غرض و کذب محض است، شما همان سبک و سلیقه خودتان را از دست نداده سی کنید که این سنگ نفاق و خلاف از دامها ریخته زودتر با حواس جمع ترتیب انتخابات را بدهید، مبعوثین ملت بیای تحت حاضر شوند، پس از دائر شدن مجلس البته رجوع باعمال ما خواهند کرد. و باقتضاء مساویت که فقط در آن مجلس عالی داریم تصدیق و عدم تصدیق اعمال خود را بآن مقام مقدس راجع بدانیم و بس، و امیدواریم با موافقت هموطنان محترم در نزد عقلاء ملت و ملک خجالت نبریم (سعدالدوله)

جواب انجمن ولایتی اصفهان

در تلگراف جوابیه انجمن اصفهان میزنماید که مگر در اصفهان کسی نبود مسبوق بقواعد مشروطیت که بداند بد از صدور دستخط مبارک و شمول مراسم ملوکانه دیگر جای هیچ حرفی نمانده، و حال آنکه اگر مقصود طهران حرف سازی و سخاوری نباشد ناچار باید حق بدهند باصفهان که موافق قوانین مشروطیت بملاحظه جدید با وجود انقلاب فوق الطاقه که در تمام ایران مشاهده میزنماید و لزوم اصلاح آن را نظر بدقایق ملتگی میدانند در ظرف مدت یکماه مسئولیت خود چه کردند و چه صورت مطلوبی بکارها دادند، جز

آنکه نفوذ خارجه در مملکت بیش از پیشتر گردیده و استبداد بصورتی مهیبتر دامن شده، اگر مملکت کابینه با نیت ملت و اساس مشروطیت موافق بود کینه واسطه کناره نمیگرفتند و هیثی که محل توحه و اضمینان عموم ملت بودند بواسطه عدم به شرف امور استعفا نمیگردد که خاطر ها را پریشان و مضطرب دارند

ثانیاً قانون انتخابات که نوشتن سطری چند پیش نبود چه طرز و تامل، چه دلیلی میتوان داشته باشد که سی روز طول بکشد، و اگر باین ترتیب اصلاح مفاسد را مترصد باشند شاید که عمر ماها کفایت این مساعیه را نماید

ثالثاً منسبین و خباثکارانیکه اساس مملکت را متزلزل و خون کورور ها ملت بیچاره را ریخته همچنان در حواشی اریکه سلطنت سلسله خنسان و در تمام امور حاجب آیند بطوریکه باقطع والیقین میتوان گنت هنوز دائره امور بر همان محور سابقه است و این هیث جدید محض حفظ صورت و اغفال مردم حفظ و ابقاء آنان که معلوم الحال و شرارتشان مسلم است در طال مراسم ملوکانه چه صورتی دارد، و ترجیح چند نفر شریر بر یک هیث ملتی جز سلب اطمینان عموم چه فائده خواهد داشت

رابعاً در باب حال موخس آذربایجان میزنماید گویا که باصل موضوع بی نبرده ایم که چه اقدامات بمطالعه قشون خارج را بداخله مملکتی جلب نمود و حال هم که اهالی ملت بی بیانیها شدند خواهیم دید که یک پیچیدگی و منطه عظیم در عتب خواهد داشت، خوب است اولاً در این موقع اصفاف دهند و کتمان نکنند که اقدامات بطالعه که موخس حاب قشون خارج شده از طرف کی بود، و ملت معلوم بیچاره جز مطالبه حقوق چه گامی کرد، و آن هم اگر از شدت مزاحمت و خشوب و تصرفات مالکانه مساهان تازه بشیرینداری عثمانی بپاه بزند چه میکنند؟ و در حالی که از طهران هیچ طور جواب تظلمات آنها ندهند و رفع این مصیبت مسائل را نزنماید چه چاره دارند؟ چنانچه ما هم هر قدر گفته و استدعا کردیم هیچطور موافقتی ظاهر نشد و جواب مسکتی نرسید، و نمیدانیم توقف این مدعویین محترم تا کی و سوء رفتارشان تا چند طول خواهد کشید، و ملت

یران از سکوت عین او ایسا، امور چه، تصویری
ایند و جز بهاء بیک مامن اسلامی چه، میتوانند کرد؟
حماً تفصیل ورود قشون عثمانی باذربایجان
این ائمه حیدیه چیست؟

سادساً از یکطرف حاب صمصام السلطنه را
بیزرمانید از شرارت خواجه های موکوئی و قتل و
ارت آنان جلوگیری کنید و از طرف دیگر سردار
تقصد و امیر منجم بحکم او ایسا، دولت آنان را بتل
ذارت ماموریت میدهند و تمام سوار و پیاده
مختیاری که در اردوی کاشان بودند باطراف اصفهان
راگنده نموده بتساراج بست و قوافل و چاپیدن
قری و مزارع دستور العمل میدهند که ما قوت
قلب آنچه را که قلم از شرح آن عاجز است مرتکب
بیشوند

سابقاً بوزارت مایه امر میزمانید که ترتیب
داره مایه را دقت نمایند که بی رویه و ترتیب
مامه شود، آن وقت حکم دیگر میرسد باردستان
که بیج هزار تومان از عن مالیات انعام بین
دسته دزد قعاع العاریق بدهند

ناماً سردار متقصد را با اردوی کاشان نگاه
داشته و مبالی ار مال مسلمانان صرف آنها میزاید
و مترصدند که اصفهان کسی را که مخوربزی و
ذارت آنها آمده بحکومت بپذیرند، با این حالت انجمن
وعموم اهالی مجبور است تصریح نمایند، سردار متقصد
را بیچوجه نخواهیم بپذیرفت و امیر منجم را مسئول
تمام خسارات وارده بر اصفهان میدانند و با کمال
نیصبری انتظار میبرد که اقدامات فعلی در جواب
مستدعیات هشت گانه مشاهده نمایند و بش از این
در حالت مدافعه و اضطراب بمانند

(انجمن ولایت اصفهان و عموم علماء)

یکشنبه ۱۷ ج ۱

حواب سادالاوله از سلطنت آباد
در تمام اعتراضات شما نقطه یک نره را آن هم
تا یک درجه میتوان تصدیق کرد و آن این است
که در این یکماه این کابینه نتوانسته است کاری بکند،
بجهت عده این نتوانست همان اشتغال بشوال و جواب
انچه ای ولایتی است که دقیقه فرانت نداشته اند که
بامور مهمه مملکتی بپردازند، تصور بفرمائید از مبیح
الی غروب علی از اتصال دو تلگرافخانه مشغول دفاع باید

شد آن هم در چه مسائل، مسائلی که بیج اصل نداشته
و منسده حیوان طران جمل نموده باطراف منتشر
می نمایند و در همه جا ناثره آتیه میاروزند، این گونه
رنتار سه بعد از اعلان مشروطیت بیج انتظار
نبرفت حقیقه در انظار خارجه و ملت مایه حیرت
گردیده حقیقت ملی ما را هم در مقابل تمدن عالم
از میسان برده است، چه مداخله انجمن در امور
دولتی نه در محاکم مشروطه و نه در تالک مستبده
حزینت و عواقب وخیمه دارد. ورود قشون روس
ما ذر بایجان و تحطیات عثمانیها قبل از تشکیل این
کابینه بوده است، و اگر ما نخواهیم آنها را بتوه جبریه
از این مملکت خارج کنیم که محتاج دویست هزار
سرنیزه و پنجاه کرور پول هستیم

پس چاره نداریم جز زبان و قلم. آن هم با حواس
جمع باید کار بکنند در حالتیکه اشتیاقات داخلی و
این مداخلات خلاف قانونی حلی برای ما باقی
نگذاشته، هنوز در حیرت هستیم که شما ما از ما
چه انتقاری دارید، مع ذلک این مسئله اهمیت بلذیکی
پیدا کرده است که در اسلامبول ما بن ستره
دول مطرح مذاکره است که تکلیف نداریم و
نیتوانیم هر چیزی را برملا اعلان کنیم. حالا عقیده
ما این است که در این موقع مبساحه و اعتراضات
از طرفین باید کنار گذاشت، جنابان اجل صمصام الساعته
و سردار اسد میان ایل تشریف برده موافق قواعد
مرسومه ایلیت ایماحان و ایل بیکی را انتخاب نمایند
که بامضاء دولت برسد، و اهالی شهر هم منتظر حکم
باشند که عن قریب حرکت خواهد کرد، مهم قانون
انتخابات را که دیروز تمام شده است و امروز قرائت
میشود بوقع اجراء بگذاریم، تاسف است که مسئله
باین ضامفی را که بست تر از منتخبین فضلاء این
فن سی روز است مشغول هستید، مسئله که ذره
خط اسباب همان مناسد خواهد شد که در مشروطه
سابق شد میزمانید بطره و تعلل میگذرانند باز هم
از عقیده خود بر نمیگردیم، آیا آن دو نفر در میان
شاهای نیستند؟ اگر هستند خود را مجبور از سکوت
می بینند، چه ایشان را تا یکدرجه عالم بحقیقت امور
میدانیم (حاضرین تلگرافخانه) ۱۷ ج ۱

جواب انجمن ولایتی اصفهان بطران
حضور مبارک حضرت مستطاب اشرف انجم آقا

بدان اوله دامت شوکته ، جواب تبر آمیز حضرت
 ستطاب عالی زیارت شد ، میفرمائید از هشت قتره
 طلی که عرض شده فقط یکتره آن را هم تا درجه
 بواب میشود داد ، و حال آنکه اگر اساس امور
 مشروطیت بود وزراء مسئول نمیتوانستند جواب
 يك ایالتی را که در حکم چند نفر وکیل پارلمان است
 در موقع تعطیل پارلمان این طور بسحق و عدم اعتناء
 بگویند . و تمام خلاف و تراژی که در کار رفته تقصیر
 ریایات و انجمنها بداند میفرماید ورود قشون روس
 باذربایجان قبل از تشکیل کابینه بوده است ولی اگر
 دقت فرمائید در زمان وزارت خارجه حضرت عالی
 واقع شده و نمیتوانست بی اطلاع باشید . و حال آنکه
 دارید که در اسد میرل سزرا دول متحابه امورد داخلی
 ما را اصلاح نماید و ما خود ساکن باشیم . و جابان
 مستجابان مصفا الساطه و سردار اسد هم اراضیران
 بروند تا سردار منتصد با قوای جبریه بر ارضیران
 ستازد و اگر چه این پلایک کابینه جدید در بی اعتنائ
 و جواب ندادن بمطالب اسباب یأس همه کس است ،
 ولی لزوماً این مسئله مهمه را توضیحات میخواهیم
 که با وجود مثل حضرت عالی وطن خواه شاه دوست
 چه شایبایتست که از قرار داد دولت علیه با دول
 همجوار در جراند تمام دنیا منتشر شده . و اهالی مملکت
 ایران که صاحب این حقوق بی اطلاع مانده ، تمام
 فداکاری و اهتمامات مسلمانان برای استقلال دولت
 و مملکت و استقرار حقوق ملیت خود شان است
 و هر گاه خدای نخواست هیت دربار بدون اطلاع
 وجوه ملت چنین شرایطی حابه بر انداز با دول
 همجوار بسته باشد جای بسی ناامیدی و تاس است
 در هر صورت در نهایت بی صبری متعزیم که
 هر چه زودتر این بندگی را اطلاع دهند که بتازه کی
 چه عهده با دول همسایه بسته شده و اطلاعات
 حضرت عالی چیست ؟ و این مطلب را هم قبلاً اشاره
 میباشیم که اگر امروز خواسته باشند این مطلب را
 مکتوم دارند فردا منتشر میشود مسئولیت بر عهده
 آنحضرت اشرف میباید و ملت هم بیچوجه من اوجوه
 ممکن نخواهد نمود ، و در باب حالیه و دفع غائله
 بالکلیه از ارضیران اگر میل مبارک عایل با اصلاحات
 است چون اهل این شهر صاحب جوی و سلامت
 طلبند این بهتر آن است که اولاً

اردوی کاشان بدهند و ثانیاً حکم ایالتی را قبل از
 مأموریت معرفی فرمائید که اصهبان لازم است بداند
 و بشناسد ، زیرا که اهالی ارضیران بعد از آن ابتلاآت
 ضارت زدگی که بر آنان وارد شده است قوت و
 قدرت تحمل همه حاکمی را ندارند . مستدی جواب
 فوری التماس فرمائید

(انجمن ولایتی و عموم علماء ارضیران)
 تنگراف انجمن ایالتی تبریز
 (به کابینه وزراء)

حضور مبارک هیئت وزراء عظام دام ظلهم در
 جراند خارجه که امروز ما میرسد تفصیل يك
 پروگرام از دولتین روس و انگلیس مندرج است
 که باعلیحضرت همایونی داده اند . و اینحضرت
 مندرجات آرا قبول فرموده اند . و هم نص يك
 متاوله نامه مشتمل بر هشت ماده که در میان دولتین
 و دولت ایران بسته شده و باامضاء رسیده دیده
 میشود که بنابر این بدون اطلاع ملت و ضمناً
 استقلال ایرارا بر باد داده و محض حفظ مال و جان
 دولت چند هزار ساه را بهیچ مصالحه نموده اند ،
 مات آذربایجان حتی آنکه حدود را شریک در
 این آب و خاک میداند و قبول مات يك یا چند
 نفر نمی بندارد تا کمال احترام وحدیت از هیئت
 وزراء توضیحات میخواهد که با کمال صراحت بیان
 فرمائید که عبر متن پروگرام و هم چنین نص متاوله
 نامه چه بوده چطور و کی به امضا رسیده ، که حتی
 و حتی باید مات تفصیلات این مسائرا که راجع
 بمقوق مشترکه عامه و متعلق باستقلال وطن است
 بداند ، و این ملت صیبت با این پریشانی حضراست
 دوباره عوض يك سال دوسال از نوخون خرد را
 بریزد و راضی بوضایت و قیدومت دیگران نشد ،
 نگذارد ایران در تحت نظارت بیگانه کن واقع گشته
 تعدیل و رراء موط تعدیلی سزرا و امتیازات و
 استراس موقوف بخارده ایشان و ادارات دست
 منتشر های فریکی و جان دمال و ساطات بدساره
 در تحت ضمانت آرن نرود . مستدی است هر چه
 زودتر هیئت جلیله وزراء که امروز مسئول امور
 این مملکت اند جواب صریح شای و توضیحات وای
 بدهند که تکلیف معلوم شود و تاخیر آفت
 انجمن ایالتی

(جواب سعدالدوله)

بعد از عرض سلام و دعای فراوان زحمت میدهم ، ثلث تاخیر جواب بخدای لا شریک له قسم است جز گرتاریهای فوق العاده و فوق الطافه بوده و نیست اضطراب و انقلاب خوار عمومی و تلمیان افکار عامه را راجع بشرایط مذمه محل بر استقلال ملی در حرایت قرار داده اند ، در صورتیکه سبک حرایت حرجه را خوب ملتت هستید که اخبار سکاران هوای نفس و باغوای مسدین که هراران مصالح پلنگی را متصن است این تبیل اخبار موخس را شهرت میدهد این است که توصیه میکنم پروگری که میزمائید دولت تقدیم کرده وامضای آرا از بندگان ادس اعلی روحا نداه صادر نموده اند اول عبارت پروگرام نیست و لایحه است و آن لایحه مشتمل است بر خلع مشیر السلطنه و سپهسالار از خدمات دولتی و تشکیل کابینه دولت از اشخاص معتمد آرادای ذلت و اعاده مشروطه و عنوعومی و ضمیمه کردن چند نفر از اشخاص فاضل و عالم مجلس شورای ممالکتی برای ترتیب و نوشتن نظامنامه انتخابات . و این اظهارات را یعنی این مصاح مشقانه را بندهگان المید حضرت ادس هایونی در صورتی تصدیق و قبول و احرا فرمودند که مادل یکصد هزار ایره مسامت خواهد کرد که حقوق عقب مانده نامرا پرداخته و بعضی مصارف فوریه اداره نیز خرج شود تا مجلس شورای ملی متوج گردد ، حالا از خود آنجانبان اصراف میخواهم کدام یک از این مطالب مان صرفه و صلاح دولت و ملت است و کدام یک از این مطالب است که متذین ملت از دولت میخواهند امامانده برهشت فصل به این بنده که وریر حارجہ هتم و نه سزای دول متحابه که در ایجا اقامت دارند روحان خبر ندارد . و از جنلهات صرف مسدین است و الحق خوب تدبیری است که ممالکت را منقلب و وزراء را مشغول دفاع نموده از کار باز دارند

(جواد)

سر ژاز حوائی سعدالدوله یا تلگراف

(بجزرت سپهدار اعظم)

خدمت حضرت دستغاب آقی سپهدار اعظم دام انباله - با هراران گرتاری و کسالتی که داشتم

شوق مخابره حضوری با حضرت عالی و آقایان کرام بنده را بتلگرافخانه کشید ، اظهار دلتنگی مخلص نه از طرف آن جنابان است بلکه از پیش رفتن مقصود و تهاجم انقلابات و مداخلات حارجہ در این وطن عزیز که همانا نتیجه اقدامات بیطالعه خود و اسلاف ما است ، حال باید گنت (زاد فی الطهور بعه اخری) - عثمانیها هم سه روز است در ولایت سرحدیه و در شهر تبریز علم مداخله را ازراشته حواسها را بریشان کرده اند . اگر امروز حضرت اجل عالی و همراهان یک همت عاقلانه و جوان مردانه فرمائید هیئت کابینه امیدوار است که بتوانند با یک حواس حمی رفع این محذورات و دفع مشکلات را بنمایند ، از تلگراف دیشب و سابق معلوم میشود که خواسته اید بالصراحه تکلیف را تعیین و پروگرام خود را اطلاع بدهید ، این است که رحمت میدهم ، امروز تکلیف وطن پرستانه حضرت عالی و همراهان و پروگرام عموم مشروطه طلبان این است که حضرت اجل عالی بلا تأمل باتفاق همراهان بهر حکمران صراحه فرموده در آنجا بوظیفه احراآت قوانین مشروطیت بپردازید ، و چون تمام حزبیات تکلیف باید بر طبق قوانین اساسی باشد درکار انجمن حاضر ، و نیز باید ملاحظاتی که لازم است بعمل آید . بنجرد وصول نظامنامه انتخابات که همین دو روزه تمام خواهد شد مشغول انتخاب وکلا شوند ، این است قدم اولی که در عالم مشروطیت باید برداشت در حفظ نظم شهر و امنیت طرق و شوارع گویا حاجت نباشد که مخلص بجزرت عالی تلمیبات بدهد چیزی که لازم است محرمانه و بطور مؤکد عرض کنند این است ، که مجاهدین خارجه را که در آذربایجان اسباب جناب قشون روس شده بودند بهر تدبیری که ممکن باشد رجعت بملک و خاک خودشان بدهند ، این است آنچه را که میل داشتید صراحتاً عرض بکنم ضمناً خواهش هم دارم و آن اینست که آنچه را از طهران می نویسند و خبر میدهند نباید صحیح فرض کرد و اسباب هیجان قلوب محترمه قرار داد ، مثلاً در ضمن تلگراف دیشب اشاره باندنسی حضرت وزیر جنگ شده است و ایشان الآن در این نقطه حاضر و اگر نشانی داشته باشید میتوانستید استعلام بفرمائید ؟

قبیل است حل قورخانه ، استغای کابینه ، و نامیدن ترتیبات نظم که جدیداً داده شده است بحکومت نظامی شهر و غیره و غیره ، اما پروگرام کابینه بطور اختصار اعاده امنیت در مملکت در استقرار مشروطیت است تبیین حکام و مأمورین ادارات مختلفه در ولایات و تنظیمات دوایر دولت و غیره از مملکت این دو مقصود اصلی است که زحمت داده شد (حواد سعدالدوله)

حبل المتین

عجب این است که سعدالدوله با اینکه خود را بالمان کابلیق مری نموده بدناطی و سخنان تو خالی میخواهد شخصی مانند سپهبد اعظم را فریب دهد و تزوین که درواری طهران و تمام خوف دربار خداعت آثار از قبضه مشروطیت بر آن مقام رزین است از دست بدهند و حضرت اشرف سپهبد اعظم را به نوید حکومت گیلان و مازندران میخواهد قانع نماید . لطف این است که حضرت اشرف هم ایشان را ریش خند نموده خوش دل ساختند که سپهبد اعظم خدع دربار را ملتفت شدند و سعدالدوله ازین نکته غافل بود که

(آنکس که آمدن مشتند)

(دشمنان را دوستی گشتند)

نمیدانیم حالا سعدالدوله معلوم نموده است که بلبک زهبده ایشان را احدی پوشیده نماند بود چه قدر شایسته است که رجال کاردان ما حالا دیگر دو روئی را کار گذارده در ضریق خدمت ملت و دولت صداقت پیشه نیایند

تذکره فرما بحضرت سپهبد اعظم خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم عالی آقای سپهبد اعظم دام اجلاله العالی . نذر بکمال اعتماد ذات اقدس همیون شاهنشاهی ارواحنا فداء نسبت بشخص محترم حضرتعالی و توجه مخصوص که از جانب سنی الجوانب ملوکانه در آسایش اهالی گیلان و مازندران و تأمین و تسکین قلوب آنها شامل است بحسن انتخاب ذات اقدس همیون ایالت و حکمرانی گیلان و مازندران بمرده کزایت حضرتعالی محول و مقرر فرمودند ، پس این تذکره مراحم ملوکانه هر بجه زود تر طازم مقر ایالت گردید ترتیبات لازمه در ایالت آن حدود و ترفیقه احوال اهالی داده

تاجلا در تعیین نایبالحکومه و سایر تکالیف اقدام فرمائید وزارت داخله فرما فرما

جواب حضرت سپهبدار سعدالدوله

مقام رفیع منبع حضرت رئیس الوراء دامت شوکتها ، بخدمت واحد واحد قسم است بنده از تلگراف حاضرین تلگرافخانه خبر نداشتم و ندیدم . تا الآن این حوایرا زیارت کردم ، و تلگراف حضرت اشرف وزارت حلیله داخله هم رسید و زیارت شد ، حالا که بنده سرفتی اسیال شدهام تاچارم از قبول فرمائش و امر حضرت مستطاب عالی ، همین قسم که فرمودید گیلان و مازندران اداره نمایم از طرف حضرت اشرف و وزارت حلیله داخله تلگرافات اعلان حکومت بشود . و بعدوی هم تلگراف رسمی فرمائید ، تا بنده هم تلگرافات نامحایما اطلاع بدهم و آدمهای مخصوص فرستم برای اداره نمودن کارها و در تهیه و تدارکات دیگر شوم (محمد ولی)

ایضا تذکره فرمائید سپهبد اعظم

خدمت حضرت مستطاب اجل اکرم آقای سپهبد اعظم دام اجلاله العالی - در جواب تذکره آخر انجمن ولایتی تزوین یا نهایت مسرت و خوش وقتی ایالات حضرت عالی را بگیلان و مازندران اعلام کرده و در مقام وطن پرستی و دولتخواهی حضرت اجل عالی متوقع این حسن انتخاب را ب تردید و تأخیر قبول و اجازه تذکره رسمی برشت و مازندران فرمائید که حضرتعالی مشغول کار آنجا و ما هم بلکه سلاج سایر درد ها موفق شویم ، برای حکومت تزوین هم جناب شرفالدوله منتخب و بتلگرافخانه احصار شدند ، قطع معالی ایشان برای استعلام از تبریز است که نذر مقام وکالتی که داشته اند بی ادلاع اقدامی نکرده باشد . و الآن در این باب بحضرت آقای ثقة الاسلام که در تلگرافخانه تبریز حاضرند تذکره کرده منتظر جواب ایشان هستیم (فرمان فرما)

تذکره تلگراف انجمن ایالتی گیلان بسعدالدوله حضرت مستطاب اشرف آقای سعدالدوله رئیس الوزرا دامت شوکتها العالی

چون بنای اتحاد و اتفاق بین دولت و ملت و استعکام آن اولین وسیله استقلال ملک و ملت ایرانست و آخرین امداد وطن پرستان و دولتخواهان

در بقای قومیت و استقرار اهالی این آب و خاک
 و هر کس ادعای ایرانیت و اسلام و دولتخواهی
 و شاه پرستی میکند و فی الحقیقه راست میگوید باید
 در تقویت و استحکام این اتقای بکوشد و از آنچه
 میتواند اسباب تفرقه و بهم خوردگی آن گردد
 احرار نماید. بروز ایام و اتفاقات ناگوار جانسوز
 اخیره قدری طرفین را خصوصا ملت بیچاره را که
 هر روز دو چو بلای تزه و زحمت بی اندازه
 میشود طوری بیدار و هوشیار نموده است و متوجه
 نکات ساخته که در حرکت اب معنی کلمه را درک
 میکند و با حرکت قلم از دور آنچه در صحنه
 نقش شود میخواند یا مشابیه مار گزیده از ریشبان
 الوان برهیز میبیند، در هر صورت باید عقلای
 مملکت و دور بینان با درایت تمام هم خود را
 مصروف رفع این وحشت قلبی نموده هر چه زودتر
 ممکن است و هر چه بهتر ممکن است اسباب اطمینان
 قلب طرفین را فراهم نمایند و بیکدیگر بفهمنند که
 میخواهیم بجای اینکه قوای عقلیه و علمیه خود را
 در مخازن بیکدیگر صرف کنیم در رفع و دفع
 مخافتن همدیگر صرف نایم، اولین وسیله نیل باین
 مقصود بتئیده این حادین وطن و دولت خواهان
 گفتن و عرض کردن مطالب است بی پرده، یعنی
 باید هر چه در دل داریم بدون ملاحظه بگوئیم
 هر دردی که در وجود داریم بی پرده اظهار نایم
 و از طرفین در صدد علاج براهیم، اگر فی الحقیقه
 راست میگوئیم چنانچه از طرف ملت میتوانیم اطمینان
 دهیم که راست میگویند در رفع غایلات و دفع
 خیالات پیش قدمی نایم، منتظر اظهار و اصرار
 نباشیم، اگر میدانیم نکنیم و اگر نمیدانیم بایکدیگر
 شور نایم، باری موش و گربه را موقوف سازیم،
 اوایل دلیل اینکه از حرف ملت هر چه میگویند
 راست و از صمیم قلب است، همین تلگراف است
 که مابین سادگی عرض میکند خلاف مقصود حصول
 امنیت و آسایش عمومی و فراهم کردن اسباب
 سعادت و نیکبختی امید این مملکت و ملت است
 که شوکت و قدرت و استتلال سلطنت نیز با او
 همراه و لازم ملزوم بیکدیگرند هیچیک بدون دیگری
 وجود خارجی پیدا نخواهد کرد، یکسال است در این
 مملکت آنچه میدانید و می بینید برای آنته

اعاده مشروطیت که اساس سعادت است بشود. ولی
 هیچ طنلی تصور نمیکند که منظور اسم بوده باشد
 اگر از اول رسم جاری کرده بودند هیچ محتاج
 باسم نبودیم، باینهمه ملت برای اینکه درجه اطاعت
 خود را بفهمنند به محض اعطای دستخط اعاده
 مشروطیت خود را مثل طنل شیر خواره که او را
 از مادر جدا کرده باشند در آغوش دولت انداخت.
 اگر در این چند روز جشن ملی حسیات این
 بیچارگان را ملاحظه میفرمودید که چه گونه با این
 فلاکت و بریش و فقر و فاقه که لازمه گذشته
 ها بود آخرین دینار خود را در راه این جشن
 ناگونه های شگفته و قلوب منبسط خرج میکنند
 برای آنها رحم میفرمودید متاسفانه، اخبار اخیر از
 حرکات بیرحمانه رحیمخان و اتل و غارت امام
 حجه تبریز و اقدامات رشیدالملک و تاخت و تاز امیرالدوله
 در فارس و از همه بالاتر این از اعلان دستخط
 آخری حکومت نظامی طهران در تحت ریاست
 اجنبی و فشار استبدادیان باهسالی طهران که برای
 مذاکرات ملی و اظهار بشاشت نمی توانند آزادانه
 در یکجا جمع شوند، اگر بداید چه اثر و نتیجه
 داده باید برای العین دید و فهمید، نمیدانم هیئت
 وزرای عظام چه انتظار دارند و معطل چیستند،
 برای رفع غایله تبریز و رفتن مهمانان ناخوانده یا
 خوانده میفرمائید (وقت میخواهد و اقدامات پلنگی
 لازم دارد) حرف نداریم ولی اجرای مستعدان
 ده گانه که شیر از باز شدن تلگرافات آنهم بدست
 همان اشخاصی که اطمینان بآنها غیر ممکن و از
 جمله محالات است هیچیک اندام نشده چه مانعی
 دارد؟ تخریب در مواد قانون اساسی هم شده ولی
 مقصود از تصریح عمل بود نه قول، رفع شر
 اشرار فوق و تبعد چند نفر از رؤسای متصدین
 که لاف از اسباب امیدواری این ملت فلک زده باشد
 چه معطلی دارد؟ جز اینکه اسباب امنیت و آسایش
 و نظم شود و تسریل در اخراج مهمانان نماید، امروز
 وزرای عظام دارای دو قوه بزرگ هستند
 باستعمال این دو قوه هر چه بخواهند به محض اراده
 تلبی اجری میشود، یکی قوه دولت است که تا
 امروز بر ضد ملت اعمال میشد، دیگر قوه ملی است
 که برای دفاع از حلال قوه اولی حاضر شده و

امروز اگر واقف از روی حقیقت و صفا متحد شده ایم باید تدر این دو قوه را دانسته وقت را غنیمت شمرده و آنها را در دفع اشرار و حفظ استقلال مملکت و اساس سلطنت استعمال نمایم ، و با اتصال این دو قوه با کمال آسانی تمام مخالفین داخله و خارجه را بدون استثنا میتوانیم جواب بگوئیم ، خداوند قادر متعال گواه است اگر اندک توجه از روی انصاف و حقیقت باین نکته دقت فرمائید و بیکتدم بطرف این مقصود بردارید خواهید دید تمام این مقدمات وحشت انگیز را نتیجه بزرگ حاصل شده سعادت و نیکیبختی آتی را در کمال اطمینان ضابط میکند ، آتوقت خواهددید که هراران رحیمجان و رشیدالملك و امثال آنها را بیک اشاره میتوانید بجای خود بشانید ، و اگر تبرد نموده اطاعت نکردید فوراً عصیان آنها را بدولت و ملت اعلان فرمائید تا دو سه روز به بندد چگونه آنها را تپیه میبایند

امروز روزی است که باید از این اتفاقات فوق العاده بدون دقیقه فوت وقت فایده برد و این حسابات ملی را نگذاشت بپیر محل بلکه برخلاف مقصد صرف شود هرچه موقع عزیزتری کمتر بدست می آید که تمام اراد ملتی را اگر اعرای تصور فرمائید نصب اهالی مملکت سرماز بی حیره مواجب دولت هستند ، سر بازی که از روی میل و عقیده خدمت میکنند نه از روی حبر و اکراه ، خدا را شاهد و گواه بگیریم و اگر قدری اهل شود بد همه اهل عالم را بشهادت خواهیم گرفت که ما ملت ظلم زده نیکو نود که نگذیم و عرضی نبود که نکریم ، همه جور حاضر شدیم و بالاخره خود بخودی خود در خاند خود مجبور گردیدیم و بیک سنگ ابدی و لکه تاریخی را از خود دور کرده بگردن اوپای امر و امنای کار انداختیم ، با این شرح متصل که در توضیح و بیان آن وحدان و حق و وطن پرستی و دولتخواهی ما را مجبور نمود اگر باز هم وزرای عظام مسامحه نمایند و همه این عرایض را با کمال نور و دقت ملاحظه نموده بدون شایبه با کمال سادگی به خاک پای مبارک پدر تاجدار مهربان ما عرضه ندارند به وطن و تخت و تاج ایران با استقلال ایران ، بطریق اعلی حضرت محمد علی

شاه و بخودشان و بعموم ملت ایران خیانت کرده اند ، استدعا داریم بد از این فرمایشات را صاف و ساده و بی پرده فرمائید ، لغات سابقه پلنگی و سیاسی را برای وقت دیگر و برای مخالفین واجب استعمال فرمائید ، ایرادات و موایع را بدون ملاحظه و پرده و لباس پوئی بفرمائید ، ما هم آنچه مینهیم بعقل قاصر خود عرض میکنیم ، و اگر واقف از روی حقیقت حاضر شده اید با یک اتفاق و اتحاد معنوی برادرانه دست بدست یکدیگر داده امیدواریم خیلی زود و آسان همه کارها را اصلاح نموده خرابیهای گذشته را مرمت کنیم ، خصوصاً اصلاحات داخلی که با یک توجه معنوی فوری خواهد شد ، و نتیجه آنها بلاحرف اصلاحات خارجی است و حای تردید نیست ، بیش از این حسرت نمیکنیم . (انجمن ایالتی گیلان)

همچنین تلگراف انجمن ایالتی گیلان

کابینه محترم وزراء دامت برکاتهم العالی چند روز است تلگراف منصلی عرص کرده بجواب نائل شده ایم ، مندرجات روزنامهجات اخیراً اروپا که فصول هشت گانه کابینه وزراء جدید را ما دولتمس هموار درج نموده اند خادمان را بکلی مأیوس کرده ، از اول از تبریز که مراکز مشروطه طلبان بود زمان خیال مداخله اجاب عرض کردند که ما حاضریم تمام فرمایشات را اطاعت کنیم ، هر قدر ار ماها کشتنی هستیم بکشید ، هر قدر میخواهید تبعید نمائید ، بهرطور میل دارید رفتار فرمائید ، استقلال وطن ما را از دست ندهید ، کجا میفرمائید این عرایض خلاف است ، در تلگراف قبل عرض نمودیم که بی پرده فرمایشات را فرمائید ، از این هیجان ملی امتناع بردارید ، دست اتحاد و اتفاق بیک دیگر بدهیم ، سعادت و نیک بختی آتی وطن را استقبال کنیم ، جواب فرمودید - و حضرت شهیدار را بقوه خارجی و ترس از مداخله اجنبی مجبور بحکومت گیلان و مازندران فرمودید

براحدی پوشیده نیست که این حسن انتخاب منتها آرزوی ملت بود ولی نه بدست دیگران و نه بهرید مداخله دیگران ، اگر اول شخص مشروطه طلب ایران را باصر اجانب بر ما بگذارید راضی نخواهیم شد ، این همه جانهای عزیز و دادها و مخزنه ملک

و یحتمل که مملکت ایران و سلطنت آن مستقل باشد ،
 افسوس که متصدیان امور و وزرای محترم همه را
 بازیچه انگاشته ایران را باین روز سیاه نشانیدند ،
 اگر مشروطه خواهی و وطن پرستی و ملت دوستی حسرت
 رئیس الوزراء این بود که بدون اطلاع ما ب اختیار
 مملکت را بدست اجانب بپارند وای بحال این ملت ،
 خاک بر سر امالی این مملکت ، در عوض اجرای قانون
 اساسی و انجام مستدعیات ما که صریحاً بقبول آنها
 بر این بیچارگان منت گذارید و از همه مقدم جلوگیری
 از مداخلت همسایه بود این همه فاجات جدید در
 این چند روزه در آذربایجان روی داد ، بجای اینکه
 همسایه شالی را از آذربایجان خارج نماید غنایها هم
 داخل شد و این فدائیان فلت زده را در آرزوی
 استقلال وطن بخاک سیاه نشانیدید با این روزها بجات
 خارجه و این تلگرافات و اخبار خارجه چه امیدی
 برای دیواسکان راه حریت و عاشقان استقلال ایران
 باقی است ، خداوند شاهد است از شدت پریشانی بیدانم
 چه عرض کنیم و چگونه عجز نمائیم و بجه سان
 اظهار عقاید خود کنیم که قبول افتد بجه چیز آن
 هیئت محترم را قسم دهیم که موثر شود ، اگر واقعاً
 ما بیچارگان نینهمیم و مطلب غیر از این است که
 عرض میکنیم . این چنانچه در تلگراف قبل عرض
 نمودیم با عبارات ساده و بی پرده فرمائید تا اقلاً
 تسکین قلب حاصل نمائیم ، والا نه تنها این خادمان بلکه
 نصف اهل ایران از روی یقین عرض میکنیم ، که
 پس از یقین بر قن استقلال و ض و یأس کامل از
 حفظ آن زندگانی را بر خود حرام میدانند و بر سایرین
 نیز حرام خواهند کرد ، نخواهند راضی شد که
 خائن بمقصود رسیده وطن و مملکت عزیز را باین
 آسانی و ارزان تحویل اجاب نمایند ، چون خود
 شان نمیخواهند زنده مانده وض را در دست دیگران
 بپند دیگران را هم نخواهند گذاشت باین آروزی
 کسب و ذیل خود برسند

باز هم التماس میکنیم ، استدعا مینمائیم اگر سهو
 کرده ایم بما بزبان ساده حالی فرمائید تا راحت شویم ،
 این عرایض را بدقت ملاحظه فرمائید ، اگر بکشتن
 هزار نفر از ما تسکین قلب میشود و وطن عزیز
 بجای خود باقی میماند بحق خدای یگانه و بمحقوق وطن
 یا پای خود با چهره کشاده و لب خندان بیای دار

میرویم ، باور ندارید اطمینان بدهید و امتحان فرمائید
 از تلگرافات که بتزوین مخبره شده معلوم
 میشود وزرای محترم خیلی در اشتباه هستند ، مکرر
 اشاره میفرمایند که مجاهدین قفقاز را مراجعت دهید
 که تمام علت مداخله روسها در تبریز بواسطه آنها
 بوده !!! افسوس ! هرار افسوس ! ! که وزرای
 محترم راضی نمیشوند این مختصر شرافت و افتخار هم
 برای ایرانی در صحنه تاریخ بماند ، همه افتخارات و
 شرافت ملی و وطن ما را از دست داده اند ، این
 جزئیرا هم باین عنوان میخواهند پامال نمایند ، و حال
 آنکه بکلی در اشتباه هستید ، در گیلان ابتداء انقلاب
 فقط چند نفر از خارجه داخل بودند و بعد از چند
 روز عده از آنها مراجعت نموده رفتند ، چند نفر
 دیگر هم قبل از این اظهار رفته بودند ، باقی
 کسانیکه آمده اند همه از اولاد ایران و حسرت
 زدگان این خاک پاکند ، که از تدبیر حکام سابق
 یا از عدم مؤنه بروسیه رفته بودند ، و بهوای صدای
 مشروطیت و آزادی جانهای عزیز خود را بر سر
 دست گرفته و بهوای وطن مألوف شناسند و این
 گوی نیک نای را ربودند ، بمقیده خادمان فلتی
 بالا تر از این نیست که این همه فداکاری و
 مجاهدت را که عقول تمام دنیا را متحیر ساخته با هم
 اجاب شهرت دهیم ، و بعد از تسام مملکت با این
 خن ، این شرف و افتخار را هم که جوی ایرانی
 حقیقی بنیمت جان عزیز خریدماند بآنها بسپاریم ،
 بلکه باید بوجود این اشخاص کسب افتخار و شرف
 تاریخی جهت فرزندان ایران نمائیم

(انجمن ایالتی گیلان)

تغییراتی که باستصواب دولت

(در قانون انتخابات داده شده بود)

(اولاً) انتخاب طبقات موقوف

(ثانیاً) عده وکلا بر یکصد و بیست نفر مقرر

و موافق جمعیت بر تخمین ولایات و اهمیت عملی تقسیم

و عده وکلای طهران بیانزده نفر تخصیص یافته

(ثالثاً) افتتاح مجلس با حضور نصف بملاوه یک نفر از

نمایندگان خواهد بود

(رابعاً) ابتدای دوره دوساله روز افتتاح مجلس

شورای ملی خواهد بود

(خامساً) شرایط انتخاب کنندگان از اینترایر است

(۱) تبعه ایران باشد (۲) لا اقل بیست و پنجسال داشته باشند (۳) مرویت محلی داشته لااقل شش ماه قبل از انتخاب در مجلس انتخاب یا توابع آن سکنا داشته باشد (۴) لا اقل دارای پانصدتومان علاقه ملکی یا بیست تومان مالیات یا یکصد تومان عایدی سالیانه داشته یا اشخاص تحصیل کرده باشند (سادراً) اشخاصی که ازحق انتخاب نمودن مطلقاً محرومند (۱) نسوان (۲) اشخاص خارج از رشد و آنهایی که در تحت نیومیت شرعی هستند (۳) تبعه خارجه (۴) اشخاص که معروف بفساد عقیده باشند (۵) اشخاصیکه کمتر از ۲۰ سال داشته باشد (۶) ورشکته کان به تصیر (۷) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرین که مجازات قانونی اسلامی شدهاند و مهمین بقتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از آنها نشده باشد (۸) هراهل نظام بری و بحری که مشغول خدمت اند

(سابماً) اشخاصی که بشرط از انتخاب نمودن محرومند - حکام و مسازین اداره نظمی و صبطیه در محل خدمت

(نامناً) شرایط انتخاب شوندگان باید دارای صفات و مقادیر ذیل باشند (۱) متدین بدین حضرت محمد ابن عبدالله (ص) بوده - معروف بفساد عقیده نباشند ، مگر نمایندگان ملک مسیحی و زردشتی و اسرائیلی که آنها هم باید در دین خود ثابت عقیده باشند (۲) تبعه ایران باشند (۳) لااقل خط و سواد فارسی باندازه کان داشته باشند (۴) مرویت محلی داشته باشند (۵) در امور ملکیتی با بصیرت باشند (۶) معروف بامانت و درست کاری باشند (۷) سن آنها کمتر از سی و زیاده از هفتاد سال نباشد

(تاسماً) اشخاصی که از انتخاب شدن محرومند (۱) شاعران بلامصل یعنی ابناء و اخوان و اعمام سلطنت (۲) نسوان (۳) تبعه خارجه (۴) اهل نظام بری و بحری که مشغول خدمت دولتی هستند مگر اینکه رای مدت نمایندگی ازسفل خود استعفاء دهند (۵) ورشکته به تصیر (۶) مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شدهاند و مهمین بقتل و سرقت و غیره که شرعاً رفع تهمت از آنها نشده باشد ، هرکسانی که سن شان از سی

کتر و از هفتاد بیشتر باشد (۹) اشخاصی که معروف بفساد عقیده و متجاهر بسوق باشند

(عائماً) چهار نفر نماینده برای ملل متبوعه از قرار ذیل معین شده (۱) از برای ارامنه یکنفر (۲) برای گادانی یکنفر (۳) برای اسرائیلی یکنفر (۴) برای زردشتی یکنفر - ۲۸ جمادی الاول ۱۳۲۷

حبل المتین

در حقیقت یکی از اسباب تنبیر سلطنت دادن تبدیل در قانون انتخاب و ابراز اغراض خویش بود . احدی از اولاد ایران نمیتوان از حق انتخاب محروم داشت . امتیاز قضی و مالی هم اگر در کار آید لازم است بر عدد رأی آن صاحب امتیاز افزوده شود ، و محل دیدج مقصود تصور نمی شود اگر صد نفر یا هزار نفر اولاد ایران دارای دورائی یا سه رأی باشند ، این بزرگ ها تمام از سیدالدوله بود که غرق خود خواهی بود ، نه مات میداند نه دولت می شناسد . بتول سیدالدوله لفظ وطن و وطن خواهی از الفاظ مهملی است که تازه متعلم شده

خلاصه اخبارات بوشهر

دسته نابل عرض کردم - جناب دریابیکی با ردوی مخدومی بجهت سرکوبی اشرار تنگستانی که مدعو بودند و هر روزه اخبار میرسید که مشغول تدارک آمدن بوشهر و قبضه کردن کربک و غارت کردن و غیره هستند بطرف تنگستان حرکت کرده و محض نصیحت و موعظه و اتمام حجت جنابان آقا سید ابوالحسن خدام و آقا ملا عبدالله واعظ را همراه بردند ، از بوشهر که حرکت کردند به هرآبادی میرسیدند اشرار خانه های خود را خالی و فرار کرده بجای دیگر میرفتند تا آنکه همه در (انبارک) جمع شده امان خواستند ، غیر از زائر علی که در بندر (دلوار) جمعی دور خود جمع کرده بنای سرپیچی داشت . و این زائر علی همان است که حصه ازبازار بوشهر را تنگچیهای او غارت کردند و خودش از طرف آقای امری مستحفظ دارالحکومه و کربک بود مرتبه نانی که در ۱۶ جمادی الاول میخواستند هجوم به بوشهر آورند قلاورزی میکرد که توب و سرباز رفته آنها را متفرق ساخت ، دراین موقع که دریابیکی خیالات او را فهمید حکم داد که او را با جمیع قوا حمله به (دلوار) شود ، و شش

علی و تابعانش دیدند اگر اجابت امر نکنند خیلی از آنها تلب و خانهایشان خراب خواهد شد. این بود که واسطه گذاشته این خواستند و نوشته سپردند که دست از پا خطا نکنند. دریابیکی هم از خلاف آنها عجلتاً که مطیع شده اعصاب و نوشته جات لازمه رد و بدل کرده جمیع آن صحفات را منظم نموده روز شب ۱۴ مراجعت نمودند. و عصر شب دریابیکی به انجمن ایالتی آمده جمیع مبعوثان انجمن را دیدار و سلامتی ایشان را معتم شمرده تشکرات خود را طاهر ساختند.

چون وحوه گمرک کما فی السابق بطهران میرفت و معلوم میشد صرف چه میشود در صورتیکه خیلی مخارج لازمه برای حفظ حدود این سبب فرسخ خاک سادر لازم است. لذا مبعوثان ملت کنگش کرده که رفقه به نابوزگری بویسند که خلاصه مصونش این باشد «وحوه گمرک که بطهران میرود چون هنوز وزارت مالیه و کابینه وزراء معنی و مستقل نیست و افتتاح دارالشورای کبری شده معلوم است کما و السابق صرف دو و لع مشتی خائیان دربار میشود. لذا باید وحوه گمرک از طرف ملت سپردن به بانک شاهنشاهی شود که بعد از مخارج لازمه بنادر و روحه قروض ثابته و اصحیه دولت بخورد» ملاحظه میشود مخارج اردو و غیره باید از زید و عمرو هزار زحمت و التماس قرض شود و پول گمرک رود صهران بقوه حاشین قوه دهد و البته دور از اوصاف است و این هم قدری از ذول کشیدن تشکیل آتخاب و کلاء بود. امید است برخلاف سابق در ملت بوشهر جنبشی مرتی شود

تکراف آقای محمد باقر خان تنگستانی

(از اصفهان به بوشهر)

(۱۸ جادی الثانی سنه ۱۳۲۷)

خدمت ذی شرافت جنابان مستطابان حاجی رئیس التجار و حاجی سید محمد رضا و حاجی باقر و حاجی میرزا غلامحسین و حاجی میرزا علی آقامدیر روشن ضمیر مظفری و سایر هموطنان عزیز. از حال طهران خواسته باشید تعطیل عمومی درکار حضرت سپهدار اعظم در (بنگی امام). حضرت مزارالسلطان با قشون ملی شهر را تصرف، حضرت سردار اسد که خدا را بخت یاراست با قشون بختیاری جنوب طهران را

احاطه، جناب سردار منعم (لارنجان). تا (نیلوران) در قبضه، حوصه استبداد در سلطنت آباد حیران، از حرکات و حشانه نادم، بموجب احکام مطاع حجج اسلام انشاءالله همین دو روزه ریشه استبداد قطع، شخص کافی قانون دانی نصب، این بنده که از طرف حضرت اشرف آقای سپهدار اعظم به کپته مقدس ستار و حضرت اجل مزارالسلطان رئیس المساعدين بجهت حرکت اردوی ملی اصفهان در خدمت حضرت مستطاب اشرف آقای مصمص السلطنه آمده. شب ۱۵ حضرت اجل آقای ضرفام السلطنه و جناب مستطاب آقای منظم الملك با هزار نفر سوار عاجلاً بطهران حرکت کردیم، انشاءالله تعالی خائنین درباری فرداً فرد سرا و حزا خواهند رسید محض اطلاع عرض شد (محمد باقر تنگستان)

مگویند پسران قوام یکی بدوات روس دیگری بدوات انگلیس بستگی وست مستخدمی حاصل کرده اند

شهر شیراز به قشقائی سپرده شده. بلای بلوا در شیراز بالا گرفته است

آقای حاجی شیخ علی آقای ذوالریاستین که مدتها در قوسل خانه انگلیس متحصص و بعد از صدور دستخط مشروطیت که خواست خارج شود طابع در پیش بود، این روزها دو هزار نفر سوار و حمیت با چند یدک و جناب امام جمعه و عشاء الدوله و جمعی دیگر از رجال رفته ایشان را در کمال احترام آورده در دو محل بره کشتی نموده وارد بمزل خود شده اند. چون ایشان رئیس انجمن اسلامی بوده اند که طرفدار جناب لاری و صولت الدوله و غیره میباشند معلوم است اینکار را تشنایشها برضد قوامها کرده اند

آقا سید مرتضی امری از بوشهر روانه نجف اشرف شد با اهل و عیال.

نقل از روزنامه حکمت

در این انقلاب عظیم عثمانی مناسب دیدیم که حکمتیان ارجند را از تاریخ سلاطین عثمانیه منصلاً آگاهی داده و سوانح و حوادث ایام

(صدق کلام و نتیجه سوگندش معلوم شد)
و او در روز سه شنبه هفتم ماه ربیع الثانی
سال (۱۳۲۷) بموجب فتوای شرعی زیر خلج
گردید ، و مدت سلطنت او ۳۳ سال و اندی
شمسی بوده که عبارت از دوازده هزار و
هفتاد و هشت روز است که ۲۹۹ هزار و ۲۷
ساعت که هفده میلیون و ۳۹۲ هزار و ۳۲۰
دقیقه بوده و بموجب دفاتر در هر دقیقه دو
لیرا و نیم از ماهوار و عوائد املاک این سلطان
را بدست آمده ، که بدین حساب عبدالحمید ۴۳
ملیون و ۴۸ هزار و ۸۰۰ لیرا ظاهراً از خزینة
پول گرفته است و باذن همه واردات در دست
او بود

(نص فتوای شیخ الاسلام درباره خلج)
(سلطان عبدالحمید)

امام المسلمین اولان زید نص مسائل مهمه
شرعیه بی کتب شرعیه دن طی و اخراج ، و
سبب مذکوره بی منع و حرق احراق ، و بیت
المالده تذبذب و اسرافه مسوغ شرعی خلافنده
تصرف ، و بلا سبب شرعی قتل و حبس و
تفریب رعیه و سائر کوه مظالمی اعتیاد ایله کندن
صگره ، اصلاحه رجوع ایتمک اوزره ، عهد و
قسم ایتمشکن ، بینه حانت اوله رق ، احوال
و امور مسلمینی نالکایه مختل قیله جق فته غظیله
احدا تنده ، اصرار و مقاتله ایقاع ایتمکله متعه
مسلمین زید مرهورک تغلبی ازاله ایتد کلریدن ،
بلاد اسلامیه تک جوانب کبره سدن ، مزبوری
مخلوع طانید قزینته ، دار اخبار متوالیه ورود
ایدوب ، مرهورک بقاسدن ضرر محقق وزوالنده
صلاح ملحوظ اونغن ، زید مرهوره امامت و
سلطنتدن فراغت تکالیف ایتمک و یا خلج ایامک
صور تیرندن هانکیسی ارباب حل و عقد و
اولیای امور طرفندن ارجح گور یلورسه اجرایی
واجب او لورمی ؟ الجواب - (اولور) کتبه
الفقیر السید (محمد ضیاء الدین عنی عنه)

خلج و اسرار قصر (بلدز) را مشروحاً نوشته
تا مستبدین را تنبیهی شود که از انقلابات دهر عبرت
گیرند و مسلمین از ظلم و تعدی و بی وجود
ملوک اسلام آگاه شوند و فکر صحیح برای
دوام و بقای ملت خویش نمایند

(اسامی سلاطین آل عثمان از آغاز سلطنت)
(تا سلطان محمد خامس)

- (۱) عثمان اول (۲) اورخان اول (۳)
- مراد اول (۴) با یزید اول (۵) محمد اول (۶)
- مراد ثانی (۷) محمد ثانی (۸) با یزید ثانی (۹)
- سلیم اول (۱۰) سلیمان اول (۱۱) سلیم ثانی (۱۲)
- مراد ثالث (۱۳) محمد ثالث (۱۴) احمد اول (۱۵)
- مصطفی اول (۱۶) عثمان ثانی (۱۷) مراد رابع
- (۱۸) ابراهیم اول (۱۹) محمد رابع (۲۰) سلیمان
- ثانی (۲۱) احمد ثانی (۲۲) مصطفی ثانی (۲۳)
- احمد ثالث (۲۴) محمود اول (۲۵) عثمان ثالث
- (۲۶) مصطفی ثالث (۲۷) عبدالحمید اول (۲۸)
- سلیم ثالث (۲۹) مصطفی رابع (۳۰) محمود ثانی
- (۳۱) عبدالحمید اول (۳۲) عبدالعزیز اول (۳۳)
- مراد خامس (۳۴) عبدالحمید ثانی (۳۵) سلطان
محمد خان خامس

اسامی و تواریخ خلج سلاطین آل عثمان
سلطان ابراهیم ۱۶۴۹ ، محمد رابع ۱۶۸۷ ،
مصطفی ثانی ۱۷۰۳ ، احمد ثالث ۱۸۰۸ ، عبدالعزیز
۱۸۲۶ - مراد خامس ۱۸۷۶ - جموع ایشان
هشت سلطان مخلوع اند

سلطان مخلوع عبدالحمید ثانی روز پنجشنبه
دوازدهم شعبان سال ۱۲۹۳ هجری مطابق ۱۹
اگستوس سال ۱۳۹۲ مالی عثمانی ، موافق ۳۰
اگست (اوت) سال ۱۸۷۶ فرنگی ، عربی به
نخت سلطنت عثمانی نشست ، و روز سه شنبه ۱۶
شعبان سال مذکور در قصر (طوله باغچه)
پست عامه زخمی نمود ، عبدالحمید در ختام
ختمال اجراء مساوات و عدالت را میان عموم
شعبان بدون مراعات جنس و دین وعد اکید

رسی را خوب دانسته و در آن زبان شعر
 نیز می سراید و مفردات و مشتقات کلمات فارسیه
 را نیکو میداند. حکمیات فراوان از فارسی در
 ثناء گرفتاری ۳۳ ساله خود بزبان ترکی ترجمه
 نموده است و زبان عربی را نیز میداند، و هم
 به قواعد زبان فرانسه آشنا بوده و در حین
 مکانه معانی را دریافته ولی از عدم تمرین
 (نبردن پرایک) در تکلم چندان روان نیست
 اعلیحضرت سلطان محمدخان خامس سه پسر
 دارد. اول (ضیاء الدین افندی) که در سال
 ۱۸۷۷ متولد شده و امروز سی و سه سال
 داشته و در میان اصحاب حق در ولایت عهد
 در درجه دهم است. و در جرائی به امر
 سلطان مخلوع در مدرسه سنطانی آموخته و زبان
 فرانسه را بسیار نیکو میداند. و مانند پدرش
 نواد پارسی را از روی اساس بسیار خوب
 آموخته و در زبان پارسی در مدرسه پیوسته
 انعام و جزایه اول را میگرفته است. با کمال
 سخت گیری و شدت مانع که برایش بود باز به
 توسط معلمین و معلمات قصر کتب فارسیه و
 فرانسویه فراوان بدست آورده و با آنها تسلط
 وقت می نموده است
 و با آن ممانعت و مراقبت شدید که در
 دخول و خروج شهزادگان بود مکرر او با دو
 یا سه نفر نوکر با گردونه در خیابانهای اسلامبول
 گشت و گذار می نمودی
 دوم (نجم الدین افندی) او در سال ۱۸۶۹
 متولد شده و اکنون ۳۸ سال داشته و او در
 درجه ۱۳ در ولایت عهد است. او بلند بالا
 و زورمند بوده و میل شدید باسب داشته و
 از سواران نامی شمرده میشود، در علم موسیقی
 سرآمد اقران خویش بوده و ویژه در (پیانو) که
 استاد هوشربا است. و آواز خوب و حنجره
 لطیف داشته انعام، و ترانه های شرقی را نغز
 میخواند و نغز میسراید و نغز مینوازد
 سوم (عمر حلی افندی) او در ۱۸ فوریه

۱۸۸۳ متولد شده و اکنون بیست و پنج سال
 داشته و در ولایت عهد دارای درجه پانزدهم
 است. این شاهزاده هم مانند دو برادرش تعلیم
 خوب دیده و از اخلاق مجیزه او اول رقت
 طبع و سخاوت و نبالت شعور و هوشمندی است.
 خلاصه این سه شهزاده در اخلاق حنه طیه
 مثال پدر بزرگوار شان اند. و اعلیحضرت
 سلطان را يك دختر ستوده گوهر (رفیقه سلطان)
 نام دارد و در سال ۱۸۸۷ متولد شده و ۲۱ سال
 دارد
 آغاز حکم داری اول این خانواده ۶۹۹
 هجری مطابق ۱۲۹۹ میلادی، و فرجام حکمرانی
 مطلق و سلطنت مستبدانه اینان هفتم ربیع الثانی
 سال ۱۳۲۲ هجری موافق ۲۷ آوریل سال ۱۹۰۹
 میلادی است
 از این قرار و تفصیل معین میشود که
 اعلیحضرت سلطان محمد خامس ابن عبدالمجید
 نخستین سلطان دستوری عثمانی است. اگر چه
 برادرش سلطان مخلوع دستور را بزور سیاست
 مدحت پاشا داد، ولی هرینکه قوت گرفت دوباره
 پس گرفته و مؤسسه قانون اساسی را به بدترین
 حالات گشت. لکن اعلیحضرت سلطان کنونی را
 وزیران و امراء و خدا کر دستوری به تخت سلطانی
 نشاندند. و در ۳ ماه نوبت سال ۱۸۴۴ میلادی
 متولد شده اکنون شصت و پنج سال شمسی از
 عمر او میگذرد
 سلطان مخلوع ده میلیون لیرا نقد املاک و
 عتقات او بیست میلیون لیرا قیمت اسهم سندات
 و چکهای بنگها است
 عدد کلمات تلگرافیه که روز خلع عبدالحمید
 ثانی مخبرین جراند انگلیس از اسلامبول بانگلستان
 فرستاده اند سی هزار کلمه است
 در قصر (یلدز) مقدار وافر از همه گونه
 جواهر در يك مجموعه پیدا گشته که مانندش
 موجود نیست و هیچ کس بجز از محرم
 رفعت پاشای صدر اعظم آرا ندیده و دیده است

از تحقیقات دقیقه آکیده مثبت گردیده که تدابیر قویّه فاعله از طرف سلطان مخلوع در کشتن نصاری و عموم اجانب در اسلامبول و بلاد عثمانیه در روز شنبه معین شده بود، که اگر روز جمعه عسکر اتحاد و ترقی وارد اسلامبول نشده بود فردای آن روز در اسلامبول جویها از خون از هر سو روان می بودی

صورت سوگند است که اعلیحضرت سلطان محمد خان خامس در دیوان (سر عسکری) در روز جلوس یاد فرموده اند

(بایزد بررگ سوگند یاد میکنم که احکام (و شریعت غمراه و احکام قانون اساسی)

(را احترام تمام - حقوق ملت)

(و وطن را محافظت کنم)

جمیع املاک و اموال خاصه عبدالحمید ثانی منضم به وزارت مایه گردیده و ملک ملت گشت در میان اوراق عبدالحمید ثانی هفتصد هزار سند از اسهام (راه آهن روم ایلی) یافته شده که قیمت اصل هر یک از آنها پنج لیرا و امروز هفت لیرا و نیم است - لذا مجموع قیمت این سندات به قیمت اصلیه سه و نیم میلیون و قیمت امروزه آنها تقریباً پنج میلیون لیرا است و ششصد و پنجاه هزار لیرا هم پول نقد و هم یک میلیون لیرا یک بنگهای اروپا بدست آمده است، و یک رشته سبجه مرواریدی است که هفتاد هزار لیرا قیمت داشته و میگویند مرحوم مظفرالدین شاه هدیه نموده است

نگارنده محترمی از جنوب

قریب ششماه بلکه یکسال آجب داشتم که چرا در این قسامت کبرای مذهبی که تمام ایران آتش گرفته می سوزد، و هیچ محساره برای ایران و مذهب امامیه بالاتر از این نیست که سلطنت ما در شرف اضحلال و بیضه اسلامیت قریب بزوال است، و تمام اهل مملکت خاصه حدود شالی و نوای سرگرمی ایران در محاربه و کوشش و کشش است بگر محدود جنوب که بکلی در زاویه خودی

نموده اند، گویا حدود جنوبی که عبارت از خوزستان باشد (قال علی علیه السلام لا یدخل الایمان فی قلب خوزی ولا یهودی) که بمعنی عام شامل همه حدود جنوبی است، و شیراز و جمیع بندرات از محرم تا بلوچستان همگی در این مرحله جان گداز ساکت و صامت اند، جوی را عقیده این بود که اهل خوزستان و بنادر بواسطه رطوبت دماغیه که از هوای دریا پیدا کرده اند جهات شعور و فطانت آنان که لازمه اسلامست امروزه در رطوبت مفروق و حرارت غریزیه آنها با ذرات آب شور مخلوط شده، خصوصاً کثرت مواطبت بر هندواه و علف خرفه بکلی حرارت دماغیه آنها منجمد گشته، از ادراک کلیات و التذات بمواقب امور که از لوازم کیاست و سرتت انتقال است محروم اند، این اسباب طبیعیه بضیمه عادات غیر مرضیه که اینشاء از آباء تعلم نموده اند و تعلیمات اکتسابیه که اخلاف از اسلاف اکتساب کرده اند حالت صباوت و طوایت در آنان غالب است که هنوز بالاتر از منافع شخصی و تحصیل قوت یومیه مرتبه دیگری برای خود و ایناء وطنشان نه نموده اند، بنیر از یسکان مادر مدرک تعیش بخاطرشان نرسیده توان گنت بلسان تمدن و سیاسی هنوز بحد بلوغ انسانی که از آثار اولیه آن وطن دوستی و ملت پرستی و نوع خواهی اسب نرسیده اند، غیر از خود و عاقله خود واجب الرعایا نموده اند، بملاوه آثار طبیعیه و تقلیدیه و اکتسابیه نکته دیگری از کثرت معاشرت و مصاحب نامردم در ماده مشروطه و مستبده نیز بدست آمده و آن ایست که ملتت شدیم که یزد و کرمان تا فطانت اهلش و کیاست ساکذین خود از تانرات هوای خشک صحرائی (کویر) مایستی خیلی فطن و تند فهم و مدرک کلی و ملتت بمواب امور باشند -

مع ذک در ملاحظه عاقبت اندیشی و ضن عزیز و خاک محترم اسلامی و زوال بیضه مذهب امامی این بلاد نیز بکلی ساکت و صامت اند، مانند حدود جنوبی وقتی که می شنوند که روسیه وارد بلاد اسلامی و کعبه آمال و مطاف مقدس رضوی علیه السلام که قبله ملیونها مذهب شیده (مسلمانان است) تصرف نموده اند متالم نمی شوند و هیچ نحو جنبش و یحرم کتی

در آنها حاصل نمی شود، مثل اینکه کسی بگوید
بهرام حلی نان و پیاز خورده شنونده ها ابدآ تالی
ندارد و انقلاب حالی برای آنها دست نیامده، ورود
لشکر روس بخراسان نیز در نظر اهالی بلاد سابق
الذکر و سکنه آنان همین درجه را دارد، و این
سکوت در موقع حرکت تا درجه دلیل حسی است
بر صف ایمان و نقصان حب دین و وطن و سستی
عقیده و بی حیثی و بی تعصی -

و من بقدر ایرایت خودم راضی نمی شوم که
ساکدن این بلاد را باین مرتبه دون همت و ضعیف
الایمان بشناسم، تامل زیادی کردم و نتایج
مذاکرات آخرین درجه خودم را محسوس داشتم
دیدم این سکوت و طره از رعایت دین و
مذهب و وطن باید بجهت شرعیه مستند باشند، آن
جبهه را دنبال کرده تعقیب نمودم واضح شد که
چون همه یا اکثر این بلاد در مسائل فرعیه تقلید
آقا سید کاظم یزدی را دارند اعتقاد و رسوخ بر
اجتهاد سید یزدی اسباب توقف مسلمانان حدود
جنوبی و شیراز و خوزستان و یزد و کرمان شده،
پس از آنکه مقلد او شدند و او را معاون صریح
هیئت استبداد دیدند و حامی آشکار ای سلطنت ظالمه
فهمیدند معاونت سلطان (اگر چه بضرورت مذهب
شیعه غاصب و طغلم باشد) در نظر این مردم
بواسطه حمایت مجتهدشان واجب مینماید، پس از
آنکه رأی مجتهد بر و حوب اعانت سلطان غاصب شد
و تسلیم مشهد رضا علیه السلام بدست روسها منافی
یا اسلامیت شاه و حسب اعتقاد آن مجتهد نگردید
مدیسی است که عوام رعایت این شاه را و معاونت
آنها واجب و لازم می شمارند -

(رشته بر گردنم افکنده دوست)

(می کشد هر جا که خاطر خواه اوست)

بعد از آنکه رشته تقلید بگردن مقلد افتاد قطعاً
تا ضربه هفتم جهنم با قائد خود مصاحبت خواهد
کرد (نار مسلم را نور و طلعت محض را نور
روشن و ضلالت را عین هدایت و تباوت و بناوت را
قطانت و کبایت می پندارد

(بر سر کوریش کورپها نهند)

(او شکر پندارد و زهرش دهند)

سپا و قتیبه که شخص مدعی الاجتداد خوی زویر

و تصنع نیز باشد و اسباب دوکان داری و عوام ثریبی
را بکمال دارا باشد از کج کردن گردن و انداختن
تحت الحنک و نبوشیدن جوراب و ژولیدن عامه و
آه زیاد کشیدن و دستها را از زندیق حنا بستن
و عباى مستعمل پوشیدن و (امثال ذالك من اسباب
الجهل والخذع والتدليس والتلبیس و غیر ذلک من لوازم
ریاسته الضاعیه و حراسته الارکان والاداره الشخصیه)
باری - هر چه با فرد فرد مستبدین صحبت بشود

بعد از ملرم شدن و حجاب میگویند حرکات شاه برای
وقتوای سید یزدی است اگر قلبات شاه برخلاف
شرع بود سید چرا پامال میکرد، پس اگر کسی قطع
نظر از حب و بغض و اظهار عداوت بشخص سید
و غیره بخواهد صرف نظر کند، از حقیقت و بطلان
مشروطه و مستبده درست نور رسی نماید خواهد
دانست که شق عصای مسلمان و اختلاف کلمه اهل
ایران و شقاق افراد مذهب شیعه که نتیجه اش آرمه
خونریزی و تریب اموال و هتک اعراض مسلمانان شد
و آخر الامر دعوت دولتهای قشون کفر را به بلاد
اسلامی و تسلیم قبله هشتم شیطان را بدست کفره و
مردۀ روسه بطور واضح و بطریق برهان و حدان
بلکه بحکم حس انسانی - مستند است بقوای سید
کاظم یزدی، و احدی شبهه در این نخواهد داشت
که اگر اختلاف کلمه علمای روحانی نبود خائنین
و زندقۀ طهران علناً روسها را دعوت نمی نمودند -
همین اختلاف کلمه نجف اشرف از ناحیه سید کاظم
یزدی تا قیامت ناموس مذهب شیعه را مهلول داشته
قوة معنویة و روحانیة نائقة مذهب جنری علیه السلام
را برای مرجع سید مضمحل ساخت، تذلیل اسلام
و تسلط کفر بلاواسطه بقوای سید کاظم یزدی مستند
است، باقی علمای بلاد در طی طریق ضلالت تابع
این مقدم الضلالة است

تلاکرافات

(۲۷ ج ۲ - ۱۶ جولائی)

در اضلاع (ایس) واقع (گریس) زلزله
محسوس و تلفات زیاد شده و بسیاری از نفوس
هلاک و در دهات (هاواری) هم ۳۰ نفر هلاک
و (۴۰۰) عمارت منهدم و منشق شد و بعد از آن
بار دیگر هم زلزله شده و قرب ۱۴ نفره بر آن ضعیف

در رسیده

(۲۸ ج ۲ - ۱۷ جولائی)

خبر تازه از (گریس) رسیده که (۱۱۶)
از آواز مجروح و مهلوك شده اند

(پریسیدنت تفت) رئیس جمهوری امریکا اراده
دارد که (مستر چارلس) که باشنده (چیکاگو)
بسنارت (چین) از جانب دولت امریکا
ر شود

تلگرافی از (مدريد) پای تخت اسپانیا رسیده
میدارد که (افئقالنسو) بدین حقه که
پرنس بتیرك (دختر (دیوك آف ایدیبره)
سی کرده بدون حصول رضایت پادشاه نامش از
ت نظامی خارج کرده شد

(۲۹ ج ۲ - ۱۸ جولائی)

براس (بولو) از (برلن) بسمت دهات خود
پار و در شوارع واستاسیون اهالی باکمال احتشام
آمده بودید

پادشاه و ملکه (دینارک) در قصر (بزهوف)
براطور روس ملاقات کرده - دیشب امپراطور
اینها را بیافتم رسی نموده حین نوشیدن حام
تحریر فرمودید که بی دواتن هماره اتحاد قائم
د بود و عهد نامه دریای بالتیک را مستحکم
د نمود

(اول رجب - ۱۹ جولائی)

هیئتی از اعضای مجلس ملی عثمانی که مشتمل
ا نفر بودند بسیاحت انگلستان آمده دیروز
له اداره خارجه را نموده و در مجلس ملی
ان حرف نهار نمودند - و در قصر بکننگهم
ماه انگلستان ملاقات کردند
ادشاه انگلستان آن دیروز با (مستر چمبرلین)
نمودند

(۲ رجب - ۲۰ جولائی)

قایع نکار (طمس) از (توکیو) می نویسد
وضع دولت چین روزنامجات رنجیدگی ظاهر
ند ، چه دوات چین جواب مراسلات دولت
را نداده قول ژاپونیان اینست که دولت ژاپون
بیم قلب خواهان صلح است ، ولی در صورتیکه
و شئون او برقرار باشد

تکویت (اریستیان) سزید (بولی و یا) را

تذکراد داده حکم نموده است که بن (۲۴) ساعت
بیرون شود و سزیر خود را فوری حکم به مراجعت
از (لاپاز) داده چه (بولی و یا) تصیبه تائی را
در مناقشه سرحد (چیلی) منظور نه نموده

وزارت (فراسه استعفا نموده - و این خیلی
عجب است مباحثه اداره گمرک مورت شکست وزارت
شد - باعث این شکست مباحثات سخب بی (مسیو
دلکاسی و مسیوکایندسو) بوده است

(۳ رجب - ۲۱ جولائی)

در داخله (میلیلا) دیشب از ساعت شش الی
بیج صبح بی قشون (اسپانیا) و عربهای ساکن
خزک سختی واقع - تلات اهالی اسپانیا زیاد کت
از (مدريد) رواه خواهد شد - عموم اهالی
اسپانیا ر خلاف خزک میباشند ، قیمت سندات
استقراضی دولتی (اسپانیا) تنزل کرده است

معتون است (مسیو پر آیتد) صدر اعظم
فراسه شود تا عده از وزراء مستعی

(۴ رجب - ۲۲ جولائی)

در داخله (میلیلا) قشون اسپانیا با منتهای
دلیری خزک کرده اعراب هم بر آنها حمله سخت
کرده - نقصان (اسپانیا) ۱۰ مقتول و بست نفر
مجروح بوده است

خبر تازه رسیده که حمیب بزرگی از اعراب
اراده حمله بر میلیلا دارد اهالی آنجا سخت بریشانند
بابالی در جواب مراسلات دول محافظ (کرید)
سخت شکایت کرده که چرا در طی مسئله
(کرید) اینهمه اهمال دارد - چوسکه در مراسلات
دول لفظ (اختیارات) استعمال شده بود بابالی
اعتراض کرده که لفظ اختیارات شاهشاهی چرا
مرفوم نشده - بالاخره بابالی می نویسد که
مداخلت دولت (یونان) را در (کرید) بیچ
نوع قبول نخواهد نمود - حراز خنکی و (نکسن)
را حقه حفاظت در (کرید) فرستاده است -

بطریق رسمی بیان می شود که نقصان (اسپانیا)
در (میلیلا) تاریخ ۲۰ جولائی (۲۳) مقتول
و (۵۹) مجروح بوده است

اعضای مجلس شورای عثمانی را رسماً حکومت
دعوت خواسته در مجلس ملی انگلستان (مستراسکویت)
رئیس الوزرای انگلستان صدر آن مجلس بود (سر

ادورد گری (در تحریک نوشیدن جام صحت اظهار داشت که دولت انگلیس اتحاد قلبی با سلطان دارد - و حمایت از سلطنت مشروطه با کمال همدردی داریم و آماده هر نوع معاونت بدون هیچ غرضی هستیم -
 تلگرافات روتر راجع بایران
 (٢ رجب - ٢٠ جولائی)

باز نخب روتر از طهران خبر میدهد که آقا سید عبدالحسن لاری حرکت بحجاب شیراز نموده سیر دولت انگلیس بحکومت تازه خبر داده که هرگاه جلوگیری از حرکات سید نشود محض حفظ رعایای خارجه اقدامات لازمه خواهد نمود و بجای سپاهیان بحری در خلیج برای حرکت بشیراز موجود است
 (٣ رجب - ٢١ جولائی)

باز از پترزبرگ به اخبار طمس خبر رسیده که دولت روس بحکومت تازه ایران اظهار داشته که اگر صواب حفظ امنیت و طرق تجارت را نماید ماچار دولت روس تدارکات لازمه خواهد نمود
 (٨ رجب - ٢٦ جولائی)

باز چهل نفر سپاهیان بحری انگلیس برای محافظه قونسلخانه از بوشهر عازم شیراز شدند
 بقیه قشائیها حکومت علاء الدوله را در فارس منظور نه نموده مظلون است حرکت بحجاب شیراز نمایند ،
 چهل نفر سپاهیان انگلیس و یک صاحب منصب و پنج توب کوهی و یک مکیم و یک افسر بحری برای محافظه اروپاتیان فرستاده می شود

حبل المتین

باز از اخبارات رسمی و غیر رسمی که تا کنون هندوستان رسیده تمام ایران امن است و این امنیت از آن شده که قوای روحانی مرید بر قوت حکومت شده با منتهای سرعت امنیت قائم گردیده حتی در فارس و کرمان تا این حال ابد از حکومت انگلیس منتظر نبودیم عده از سپاه بحری را به شیراز فرستاده این حرکات همسایکان طبعاً مزید بر انقلاب خواهد گردید و عاقبت ممکن است دوچار مشکلات عظیم شوند و ایرانیان را مجبور به بدسلوکی بخارجه نمایند

باز انقلاب فارس تمام از قوامیان و ده سال است ما فریاد میزنیم که تا یکذره ازین خاندان در شیراز باشد فارس امن نخواهد شد باید اینها را از خاک فارس خارج نمود، ورنه چشم از فارس پوشید

(همت و غیرت بوشهریان)

باز بوجوب خبریکه از بوشهر رسید اهالی بوشهر دفتر اعانه برای مجاهدین طهران باز ، و در یک مجلس اضافه بر پنج هزار تومان اعانه جمع نمودند انشاءالله تفصیل را در آتی خواهیم نکاشت

تلگراف مخصوص

(٨ رجب - ٢٦ جولائی)

(از طهران الی کلکته)

باز حبل المتین - امنیت طرق و بلدان کامل - حکام هر جا بمیل اهالی منتخب، در ترتیب انتخابات و انعقاد مجلس سعی - خاتمن گرفتار، بعد از انعقاد مجلس بسزا خواهند رسید (ابراهیم)

تلگراف جناب مستطاب اجل اکرم عالی

(جلال الدین افندی جنرال قوسل دولت علیه)

(عثمانی - مقیم هندوستان)

(در تبریک و تهنیت ملت ایران)

(از بونه دوم رجب مطابق ٢٠ جولائی)

به اداره حبل المتین - نظر به اخوت و برادری و هم مذهبی بموم ایرانیان استقرار حقوق ملت و ترقی و سعادت مملکت ایران را همه وقت آرزومند بوده درین موقع خاص که بهمت تیوراه ملت برای رسیدن باین مقصود تمیز سلطنت دادند شرکت و خوشوقتی خود را به عموم ایرانیان بوسیله این تلگراف اظهار داشته تبریکات صادقانه خود را برای تمیز اعلیحضرت سلطان احمد شاه بیان کرده ترقی و سعادت مملکت ایران و عموم ممالک اسلام را از خداوند خواهیم - جلال قوسل دولت عثمانی

حبل المتین

ما از جناب ملت ایران تشکرات صمیمانه نسبت به همدردی های ذیقیمت برادرانه جناب اجل جلال الدین افندی جنرال قوسل دولت علیه عثمانی مقیم هندوستان تقدیم نموده از درگاه احدیت ترقی دول اسلامی و پیش از این اتحاد اسلامیان را خواستکاریم ، الحق همان جوش و خروش را که درین فتح و فیروزی ملی ایران از برادران عثمانی خود ملاحظه میکنیم در فتح و فیروزی برادران عثمانی ایرانیان ابراز دادند چرا چنین نباشد که بزرگان در حق شان سروده اند

(ما پنج برادری که از یک هستیم)

(در پنجه روزگار پنج انگشتم)

(چون فرد شوم در نظرها علمیم)

(چون جمع شوم بر دهنها مشتمیم)

(حیات کتب)

مدیکل کالج استریت نمبر ۴

HABLUL MATIN OFFICE

1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

(کلبه امور اداره با)

مدیر کل مؤیدالاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

و سه شنبه توزیع میشود

(یوم دوشنبه)

۱۵ رجب ۱۳۲۷ هجری

(مصادف با)

۲ آگست ۱۹۰۹ میلادی

توجه: حق اخذ ایوان بدون قبض ندارند و تعلق که
(مشایخ را قبض مخصوص مال مقدم دست نیابد)

(زمانه بری شناخته نمیشود)

ماه مقدسه

حیات

سنة ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

(قیمت از تریک)

(سالانه — شش ماهه)

(هند و برهه)

(۱۲ روپیه — ۷ روپیه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنک — ۱۶ فرنک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

حضرت شمس خان سردر دام اقباله



(هر که را حب وطن اندر دل است * در محبت مو تر را با در کل است)

ارشد اولاد ایران و ملت الملل استقامت آذربایجان - کشنده لادون استبداد - خدایند حرم و استقلال

نظر مخالفت دربار این که تازمیدان دلاوری ما دست از سواران بر حساب اجماع ایالتی تهریز قبل از مالدورای ملی (۲۳) صدای انانی
۱۹۴۶) برای محافظت مجلس مقدس و ولایت محترم در خارج بحر تهریز خیمه زن کردید که بناگاه تیره حرب دو شهر تهریز را - و دولتیا
تا مکتب آندیش پرخلای مات هم بنات بر افراشتند و بدست رجب خان خدار با سواران ناگوش یرش بشهر آورده اهالی خود را قادر بر
خلوکری نهانسته ناچار پیرق سفید که هلاکت امان است بلند نموده سواران رجب خان را بی مانع بشهر وارد ساختند - همیشه جوهر
غیرت حضرت سترخان منقبت پاس اهالی شد که سائیک امان خواسته بودند سوزش کرده علم های سفید را کشته پیرق سرخ بلند و در مقابل
قشون دولت استاده می رد و خورد و کشت و قتل کرد و بی دریغ بر قوت خود افرو - تا سائیک هفتاد و سه میدان کوچک و بزرگ با
لرجهای عریض دولت مقابله نموده تمام را فتح کرد و پاره ماه کامل دو مقابل دولت استقامت و شجاعت نمود که تمام عالم را متوجه
خود ساخت و آن وقت بود که جمیع بلدان ایران و بعضی خاشوشان و اهالی در سترخانات خنوده بدون هیچ مقابله و درنگ تابع دولتان
شده و دشمنان همه چیز ملت را فرصت داده که جمیع قوای خود را سوق به تهریز دهند

العلم والانصاف اگر نبود حرم و قوت قلب و استقامت رأی این وجود عزم اهالی غیور تهریز چنین استقلال غیرالمقبولی ابراز نمی
دادند - و اگر نبود استقامت تهریزان که تمام قوای دولت را مضمحل ساختند سایر بلدان ایران بپوش تیامه و قیام می نمودند - و اگر نبود
بلدان باین صورت معش پیش نمی آمد نه تنها ایرانیان را مشروطیت سلطنت این سرعت نصیب می شد بلکه استقلال ششماهه این ملت نجیب
پرهیز جبروت و این تولیت که چلکی بر اند

پس ما راست که این وجود محترم که ملت الملل استقلال ایران کردیده و عی حریت و آزادی ایران شناخته آمده فراموش نه نموده
اعلمای جهان قیامت این سردار جلیل القدر را هرگز از یاد نهمیم که کفران را صورت زوال نعمت فرموده اند

برجیع ارباب بصیرت روشن است که وظیفه این دوره مجلس مقدس ملی باندازه است که هیچ سبب بدوره گذشته ندارد و بدو اثر آینده هم نخواهد داشت. وظایف مجلس مقدس نه باندازه است که بتوان شمرد فقط مهیات اولیه آن را بر سبیل اختصار بیان می نمایم

(۱) از وظائف مهمه اولیه مجلس مقدس ملی هما تعیین نایب السلطنه است، چون ما بهدالعهد و هزاران فرسنگ دور از مرکزیم نمیتوانیم از روی بصیرت درین موضوع بحث عمده بگوییم که امروزه کی خوب رای این مقام منبع وعبرده حلیل و کدام بد است، ولی هم قدر متذکر می شویم که هیچ وجه صلاح ملک و ملت نیست که نایب السلطنه از اعمام و بی اعمام شاه و شاعرادگان بزرگ بشود. هیچ لازم به تشریح نیست که چند نفر از شاعرادگان بر بول بد خیال که در دوره اولیه پارلمان مورث خسارات عظیمه ملت گردیدند درین موقع رای نایب السلطنگی چه قدر در تکابو خواهند افتاد و درین مقصود تا چه اندازه صرف ثروت حاضر خواهند شد باید تصور کرد که تمام بدبختیهای ایران بواسطه اقدامات سری برخی از شاعرادگان و صرف پولهای هنگفتی بود که هوای نفس خود نمودند، و عقل و هوش قاندين ملی و برخی ار وکلای مجلس را هم زور بول ر بوده بودند، همان اشخاص تا کنون رنده و آن خیالات واهی از سر شان بیرون زوده و همه قسم در خرج کردن بول و انداختن اشلاب و اختلاف در ملک و ملت و مشغول داشتن مجلسیان مساعی بکار خواهند برد. و بقسی که ما اطلاع داریم از حال سخت به تکابو افساده و شروع بکار کرده اند

مجلس مقدس راست که نایب السلطنگی را بکسی تفویض نماید که هم عالم باشد و هم وطن خواه و بی غرض و فرضاً هم اگر به بعضی خیالات فاسده او فتد هیچ اری ر وجودش مرتب نباشد، و در تبدیل عقیده او ما مشروطیت خوف و خطر نرود

(۲) از کارهای اهم مجلس مقدس سزای کسانی است که علناً مرتکب جنایات عظیمه شده. مانند شیخ فضل الله و امیر بهادر و ارفع الدوله و سعد الدوله و

عین الدوله و رحیم خان و قوایان و امثال آنها که بگردن هر يك خون چندین هزار نفوس زکیه است. چه اگر باز کایه (عنی الله عاسلف) را اختیار نمایم و حکم محکم خداوندی را که (و لا تأخذ بها رافه) باشد عقب سر اندازیم در آتیه دوجو مشکلاتی عظیم تر خواهیم گردید و طاقت ازین ترحم غیر مشروع استقلال مملکت را بر باد خواهیم داد. اگر چه مسلم است که هر يك ازین خائنین (جز ارفع الدوله که فعلاً اطمینان قلب دارد) در يك از سارنخانیها پناهنده شده اند ولی میتوان از روی قانون تشکیل محکمه اضااف داده جنایات خائنین را ثابت کرده برای عبرت دیگران در آینده بسرایشان رساند

(۳) از وظایف مهمه مجلس ترتیب وزارتخانه است چه تا ایران دارای وزارتخانه نشود دارای هیچ نتواند شد. زیرا که مجلس فقط قوه مقننه مملکت است. بر فرض که بهترین فواید را هم مجلس مرتب کرده برویهم انداز کرد تا وزارتخانه نداشته باشیم يك فصل از آن بموقع احرا از روی صحت نتواند رسید. تنها بوریر مسئول گتن و گذاشتن بر سر کار اگر ضرورت می شد در دو ساله مشروطیت درس شده بود. گیرم که وزیر مسئول کار را از روی صحت انجام نداد مجلس معزولش نمود چه فائده بحال ملت و دولت جز اینکه چند ماه وقت عزیز گرانبهای ملت و دولت را (که قیمت ندارد) بر باد داده ایم. وزیر را وقتی مسئول میتوان گن که وزارتخانه داشته باشیم

(لوازم وزارتخانه چیست؟)

وزارتخانه بمقدار ضرورت اعضای دائمی با مواجب کافی لازم دارد که در تغییر و تبدیل وزیر آنها تغییر و تبدیل نیابند و وریر هر اداره را جز کار فرمائی و حقوق ریاست بر آنها نباشد. وزیر جز بخیانت عزل آنها را نتواند خاست و تبدیلیشان جز از روی يك قانون صحیح برای او میسر نباشد. یعنی اعضای هر وزارتخانه نوکر دولت باشند نه نوکر شخصی وزیر وزارتخانه بودجه صحیح میخواهد جمع و خرجش باید معین باشد و وزیر و اعضا را اختیار هیچ گونه تصرفی در او نباید باشد مگر بوجه احسن آنها با اجازه مجلس. و صورت خرج هر وزارتخانه قبل از

آنها باید به امضای مجلس برسد نه بعد از خرج
تخل و کار هر وزارتخانه باید محدود و معین
باشد و هیچ وزارتخانه نباید دخالت در عمل
وزارتخانه دیگر نماید چنانچه سابق می شد

(۴) ازین و بعد وزرا باید از اعضای مجلس
انتخاب شوند تا وزارت مانند دور و تسلسل بین
اشخاص محدود و معین چرخ نزد

ازین و بعد شرط وزارت را علم و لیاقت و
اطلاع دانند نه وزیر زادگی و روت ریاد. ارسختان
مهل مروج مملکت ما یکی این است که میگویند
وزراء کار کرده صاحب تجربه اند. اولاً باید فکر کرد
که تا کنون کاری در وزارتخانههای ما بوده که آنها
تجربه حاصل کرده باشند؛ بلی - تجربه در خراب
کاری. رشوه گرفتن و امثال آن دارد

باید داس که خرابی مملکت تمام از شاه بوده
بیشتر خرابیها از وزراء بوده است اگر بهترین ایران
را خواسته باشیم باید چنانچه ترك پادشاه سابق را
گفته ترك وزرای آن دوره را هم بگوایم. مگر
آنکه تجربه سخت عمل آنها را نموده و دارای علم
و فضل باشند

تعیین وزرا از وكلا دارای منافع بسیدار است
اول بهین ملاحظه سی خواهد شد که وكلا
الایق در مجلس جمع نمایم -

دوم همان وراثتی که از کار کناره گرفته اند
اگر دوباره شریک مجلس شوند تا درجه مزید بر
اطلاع مجلسیان تواند گردید و این طریق در انگلستان
بجاری است. مثلاً مستر بلزورد صدر اعظم سابق
انگلستان امروز یکی از اعضای مجلس است و باز فردا
صدر اعظم انگلستان خواهد شد. و اگر چنین
نمایم در عرصه چندسال بقدری دارای رجال قابل
انوزاره بشویم که این وزرای محدود با آنها
خرابکاری بر ما ناز قروشد. باندازه وزارت در
همین چند فر چرخ زده که نه تنها بر ملت بلکه
بر خودشان هم امر مشته شده چنان تصور میکنند
که جز آنان دیگری قابل آنها خراب کاری نیست
سوم وزرای دیرینه ما دخلهای سنگت. رشوه
هایی صد هزار تومان و دوست هزار تومان گرفته طبع
شان ظالی گردیده اعتبار این موجب قلیل که معادل
مستحقان هم نیست نخواهند داشت و

چون عادت بخیانت و رشوت کرده اند ممکن نیست
خود داری نمایند و باین جزئی مواجب قناع کنند.
شرف ملی که همه میدانیم درین طبقه پیدا شده
یعنی هنوز الا شد و ندر معنی اعزاز قومی و حب
وطنی را نفهمیده اند که بملاحظه آن درس کاری
اختیار کنند. ولی وکیل مجلس که بوزارت انتخاب
شود هم قدر عرت و عظمت خود را میداند و هم
این مواجب که برای وزرای سابق حزبی بود
برای او کمی خواهد بود و چون بدخلهای بزرگ
عادت نکرده ممکن است نفس خود را از حرکات شیخ
مار دارد و حب الوطنی و شرف قومی و اعزازات ملی
را در صداقت تصور کرده از روی دیانت خدمت نماید
برای اسباب این سکارشات (بلووک - کتاب آبی)

کافی است که مینویسد (درین قلیل زمان امیر بهادر
یک و بی میلیون که عبارت از سه کرور ایران باشد
چه از رشوه و چه از جریمه و غیره دخل نموده
مع ذلک فریاد بی پولی میزنند و معلوم نیست این
وجوه بکجا رفته است)

در جای دیگر (بلووک) ظاهر شده که دو میلیون
قرضه را که دوام خواستگار است از نصیبی که
پیش نموده اند سه کرور و سیصد هزار تومان آن
بجیب امیر بهادر میرود و ریز حساب را هم داده
است. مسلم است که وزرای سابق ما همه امیر بهادر
بوده و هستند. این گونه اشخاص چه طور باین
مواجب قلیل قناعت تواید کرد؛ ولی وكلا مجلسین
که دخلهای بزرگ به رده اند ممکن است باین مواجب
اکتفا نموده قناع نمایند و گویا این امر بزرگترین
تشویق برای وكلا ملت در کسب لیاقت خواهد
گردید. هم وقار وكلا ما در اضاار خارجه و داخله
زیاد خواهد شد و هم طبعاً هم امر تهر و تکبر
بیجائی که وزرای سابق بخرج وكلا سلف میدادند
مرفوع خواهد گردید

هرگز فراموش نمیکم فرمایش آن وزیر عالم
خوش نیت را که در مجلس مقدس گنت (اگر
ما امروز از وزارت استعفا دهیم فردا شیرازه
مملکت از هم گسیخته می شود) این وزیر بچاره ما
ابداً قصور ندارد این گونه ذهن نشینش شده بود -
همان قسم که شاه خود را از آسمان چهارم فرود آمده
می پنداشت وزراء ما هم خوبتریم از آسمان اول

دوم تصور نمیکردند

برای تشکیل وزارت خانهای ایران اداره گردان لازم است بدون شبهه باید تصدیق کرد که چون ایران دارای هیچ گونه اداره تاکنون نبوده مردمی که از عهد گذشته گردیدن اداره جات را آیند نداریم. بر فرض هم که رجال علم داشته باشیم رجال مجرب نخواهیم داشت، اداره گردان و ترتیبات يك وزارت خانه و گرداندن آن بطور صحیح علاوه بر علم تجربه کامل هم میخواهد، اگر ما دعوی کنیم که این گونه اشخاص را از داخله خود میتوانیم دستیاب داشت ما مربوط گشته ایم. و این مسئله حسی است و اندک قابل انکار نیست که اگر ما نخواهیم مانند سایر دول و ملل متمدن طریق ترقی به پیایم ناچاریم که معلم و معاون برای ادارجات و وزارتخانههای خود از خارجه جلب نماییم. و این نکته از امور مروجه تمام دول و ملل است. حقیقت هنوز در میان دول و ملل کامل التریه هم رواج است. مثلاً ایتالی در نقشه کشی اوستاد است. هولاند در مهندسی بن ساری و امثال آن. هر يك از دول بزرگ را هم کار امی در آن موضوع خاص پیش آید رجوع بر آنها می نمایند. برای اثبات اینکه ما خودمان قابل گرداندن اداره نمی باشیم. مقوله (مسیوه ارتویک) سیر سابق روس کافی است که چند هفته قبل ترجمه نموده و درج کرده بودیم. ما اینکه روسیان دولت نیم تمدن و خودشان هم دارای اداره جات صحیح میباشند منتهای شکایت را از ادارات و وزارت خانه های ایران میباید خاصه از وزارت خارجه که میگوید دارای هیچ ترتیبی نیست و حال اینکه وزارت خارجه ایران بهترین وزارت خانه های ماست و اعضای آن عموماً خارجه دیده و تربیت و تعلیم یافته اند این نکته هم نمی نماید که ایرانیان معلم میخواهند مثل اروپاییان که سابقاً حلب بایران شده ایرانیان را برای خویش ماندانی قرار داده همواره ایرانیان را محتاج خویش خواسته ولو بیست سال و سی سال توقف بایران کرده يك ایران را قابل جانشینی و عهده خویش نموده و وقتی هم رفته اند بکنار را از هرجسان خویش قائم مقام خود ساخته اند. مانند بلژیکیان که پس از دوازده سال هنوز راضی نمیشوند که ریاست گمرکخانه يك دهی هم بایرانی داده شود

و این امر بیشتر تصور خودمان است بالجمله مستشار خارجه برای هر وزارت خانه ضرورت داریم ولی ابدأ نباید آنها را ریاست مهم فقط کار آنها تعلیمات باشد و در هر وزارت خانه چند نفر ایران مستعد باید زیر دست آنها قرار دهند که او کار فرمائی در ترتیبات وزارتخانه نماید و آنها تمهیل دهند و باین اصول پس از چندی ممکن است جماعتی از ایرانیان مستعد قابل اداره گردانی شده و وطن خود را از تعلیمات آنها مستفید دارند بهترین اصول این است که ما وزرای خودمان را از مردمان لایق قابل علم انتخاب نماییم و بعضی مستشار پروفیسر و معلم لایق از نقاط مختلفه اروپا که شهرت تام در آن فن مخصوص دارند طلب کنیم که هم در دارالتنون و مدارس عالیه دولت به تدریس شاگردان مستعد مشغول باشند و هم در حین ضرورت وزرای ما در ترتیب ادارات و وزارتخانههای خود با آنها مشاوره کرده تأیید بگیرند و این گونه پروفیسرهای ماهر و اوستادان فن که دارای علم و تجربه کامل باشند بسیار یافت می شود و این اصول هم ریان معیوش برای ایران کتر و هم مقرون بصرفه اقتصادی است و هم نفعش از دوراه باید تواند شد شرط این اصول ایست که وزرای عالم قابل داشته باشیم که مشوره پروفیسرهای مذکور کافی باشد ولی اگر وزرای عالم بر سر کار نیآوریم مشوره این پروفیسرها برای او کافی نتواند بود در آن صورت مجبوریم که مستشار مخصوص طلب نموده کار را بدست او دهیم و اسم را با آن وزیر دانیم. و این امر خیلی زیان دارد. گویا بجای يك (نوز) هشت (نوز) که بدرجات شتی از او مقتدرتر باشند در ایران جلب نموده ایم حالا حرف درین است که این معلمین و پروفیسر یا مستشارهای خارجه را از کجا و کدام دولت باید استعراض نمود. بعقیده ما هر يك از آنها را باید از مرکزی جلب نمود که در آن فن مهارت تامه دارد و هرگاه از دول بی طرف کوچک دور دست گرفته شوند اولی است. ورنه ملاحظه موازنه سیاسی را از دست نداده از کلیه دول مستخدم بگیرند. مثلاً مالیه را از فرانسه معلم قشون بری را از آلمان و بحری را از انگلیس و علمی را از اطریش و تجارت و ارزقوان بدیده و اینها را از فرانسه بدیده

نائل اولان مجتهدین ایرانیه دن حاجی شیخ اسمعیل آغا حضرتلری نجف اشرفده مقیم مجتهدین دن حجة الاسلام آغا ملا محمد کاظم خراسانی ایله حجة الاسلام حاجی شیخ عبدالله مازندرانی حضرتاتی نامه جلوس هایوندن طولانی عرض ایله یکی تبریکات فوق العاده موجب حظوظیت شریاری اولارق ذات اقدس ملوکاه نک مجتهدین مشارالیهما نیک نیت خاصه دیانت پروریه ایکی دولت اسلام بیننده همیشه روابط قویه دوستی و معاونت حکمرا اوله جنه قایل بوند یقندن سلام سعادت ارتسام شاهانه ایله برابر مشارالیهما به تبلیغ و تبشیری با اراده سنیه تبلیغ اوانور ۲۸ مایس

این واقعات بر بریشانی سید و اتباعش افزود . از طرف دیگر خنی از طهران به سید رسیده بود که هشتصد لیره اجاره بیونات سلطنتی را عنقریب تدمیم خواهند داشت - اتباع سید را از یکطرف طمع لیره های طهران و از طرف دیگر توبیخ و سرزنش اهل عراق و تهدیدات عثمان متردد ساخته بود - عاقبت چاره را منحصر در این دید که حضرات آیات الله خراسانی و مازندرانی را اتباع نموده اقتداء با اقدامات ایشان نماید - و این امر بعد از آن بود که از جمیع علماء عراق عرب تلگرافات عیدیه بحضرات آیات الله بحج اشرف رسیده وبدون استثناء جمیع علماء شیعه را متحد یاتمه دیگر قوه مخالفت در خود ندید - تلگرافاتی که از کاطمین و سامره به نجف اشرف مخبره شده از این قرار است

تلگراف عموم علماء کاطمین

(به حضرت آیة الله خراسانی)

المروض لدى حضرة آية الله تعالى في الامام العلامة الخراساني دام ظله على جميع المسلمين هو ان عامة المسلمين من العلماء والمشتغلين والتجار والاعيان وسائر القاطنين في بلاد الكاطمين و نواحيا اجمن منتظرون لامرکم مترقبون لرأيکم لا يخلف منهم احد ولو بذل انوس و شرب الخوف و نفوسهم احون عليهم من كل شیء في هذا المقام لا دهام من الدامية العظمی و هي دخول الخارجة في بلاد ايراق سبنا خراسان

(عموم علماء کاطمین) (الارشاد)

باز میگوایم که استخدام متشار یا معلم خارجه برای هر وزارتخانه لازم است . ولی ابدأ نباید جز تعلیم و تأیید عملی هیچ گویه اختیار بآنها داد . اعم بر اینکه متشار باشند یا پروفیسر و معلم کار آنها باید نقط تعلیم و آموختن کار بزیردستان ایرانی باشد . و از آنها جز آموزش کاری و تعلیم . اگر بالاصاله خدمت نگیریم و مصدر اختیار و کارشان قرار دهیم . هرگز طرا مستقی از وجود خود نخواهند نمود . و فیصله این امر اول وظایفه مجلس است و هرچه در انجام این امر تأخیر شود بهمان انداز از کار عقب خواهیم افتاد

جنش عراق عرب یا هیجان عموم

(علمای اعلام)

و تسام شدن رئیس المتبدين

اخبارات واصله از ایران خصوصاً واقعات ناگوار خراسان و دخالت های غیر جائزه روسیان در حدود ایران و قتل صدها نفوس بیگناه در مشهد مقدس غلغله عظیمی در عراق عرب انداخته یکدفعه تمام علماء اعلام را بدون استثناء بجنش در آورد - بقیه شور و خروش در عامه مردم و هیئت علمیه ساری گردید که مافوق آن متصور نیست - و از هر طرف بنای توبیخ و سرزنش باقا سید کاظم یزدی (که حامی شاه و استبداد شناخته شده) نهاده زندگانی را بر سید تلخ نمودند . حتی در جلوس نمازش او را بفروشنده اسلام یاد کردند - چه این مسئله مسلم گردید که جمله اقدامات روسیان مبنی بر دعوت محمد علی بوده و سید با اعلان محمد علی را افضل من منی فی الارض و اعدل السلاطین و واجب الطاعه و پدر مهربان خود میخواند - از طرف دیگر مأمور مخصوصی از بغداد نزد سید آمده ویرا تهدید نمود که هرگاه ازین و بعد در عراق بر مخالفت مشروطیت سخنی راند و اقتداء بحضرات آیات الله خراسانی و مازندرانی نکند او را محل آسایش ملک تصور کرده بیرون خواهند کرد - و در همین روز تلگراف ذیل از جانب صدر اعظم عثمانی بحضور مبارک حضرات آیات الله بحج اشرف رسید

تلگراف صدر اعظم عثمانی به حضرات

(آیات الله خراسانی و مازندرانی)

مبارکات و تبریکات و تهنیت و تحنن

تذکرات حضرت آیت الله آقا محمد تقی
(شیرازی مدظله العالی به حجة الاسلام خراسان)
(در نجف اشرف)

جناب حجة الاسلام الاقا الخراسان دامت برکاته
فاه عساکر روس و تعدیاتهم فی ایران شوش افکار
الامة الانکار توجه الیکم . محمد تقی (الارشاد)

عاقب چون سید کار را بر خود سخت دید
حضور مبارک آیات الله خراسانی و مازندرانی خواستکار
شده که در اقدامات خود اورا نیز شریک فرماید
حصرات آیات الله جواب فرمودند که جمیع مسلمانان
ما ما شریک اند و از شرک شما هم عذری نداریم
بعد از مشوره زید ارتداء صلاح بر این دیدند
که تذکرات به هیئت اجماعیه جمیع علماء اعلام
نجف اشرف و کربلا و کاظم و سامره به محمد
علی وده اتمام حجت کرده حداً اخراج قشون
روس و اتای مشروطیت را بخواستند - چنانچه
تذکرات دیل را به توسط کامران میرزا نائب السلطنه
مخبره فرمودند .

تذکرات حضرت آیت الله نجف -
(کربلا - سامره - کامران میرزا نائب السلطنه)
جناب اجل نایب السلطنه دام تائیده - تذکرات
ذیل را معروض دارید حضور اعلی حضرت هاپونی
مهدالله اساس معدته و شید ارکان دولته . وصول
تذکرات مبارک متضمن دستخط اعاده مشروطیت و
قانون اساسی و ابلاغات اخیره و رارت حایله حرحه
موجب امیدواری . و معلوم است اصلاح خرابیهای
مملکت با اقدامات بدرابه و دلسوریهای مادرابه موقوف .
و بتائیدات ولی عصر ارواحنا بدهاء صرف تمام قوا
در آئنده بتدارک گذشته و تصمیمه عزیز را سخت
باتشید این اساس سعادت که باتفاق تمام عقلاء عالم
وسیده منحصره در حیط اسلام و استقلال ایران
و لذا مورد اهتمام است مرصد و مبادرت باجراآت
عملیه برطبق قانون اساسی بتکمیل موجبات اطمینان
و آزادی ملت و سکوت مملکت را امیدواریم
انشاء الله تعالی . فعلاً ابواء قشون روس و مداخلات
آنها بامور داخلیه مملکت سرآمد موجبات هیجان
مسلمین و اندک تاں در این باب بزوال شرف
استقلال و تدریجاً بذهاب اسلام المبادی بالله تالی مؤدی

و از نتایج آن عصر پیادگار خواهند آمد . البته رضای
بان از غیرت و حیت سلطنت غیر متوقع و توقع
آنست که بعون الله تعالی و حسن تائیداته به تخفیف
دین و دولت ازین ورطه و قیام بوطنیه حراسی
که فریضه ذمت مقام سلطنت است مبادرت فرموده
نیات حسنه را درحفظ وطن اسلام آشکار و عموم
ملت را که خزائن عامره دولت و قوی بازوی سلطنت
اند صمیمانه قرین تشکر خواهند فرمود انشاء الله تعالی
محمد کاظم الخراسانی - عبدالله المازندرانی -
السید کاظم الیزدی - آقای صدر - آقا شیخ محمد
تقی سامره - حاجی شیخ حسن مازندرانی - آقا
سید محمد باقر

از قرار مسموع جناب آقا سید کاظم نظر به
خصوصیتی که به محمد علی داشته و دارد تذکرات
ذیل را هم مخصوصاً به طهران نموده است ولی بنده
تصدیق مخبره آنرا نمی نمایم و خود نمائ میدانم
صورت تذکرات آقا سید محمد کاظم

(طباطبائی یزدی طهران)

(توسط جناب مخبرالدوله)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور اعلی حضرت هاپونی اعزه الله النصره الاسلام
احقر از بدو انقلابات تاکنون از بی اطلاعی بر
خصوصیات بکلی ساکت بودم ولی فعلاً هجوم اجانب
بر بعضی حدود اسلامی که مرض مخاطرات عظیمه
و خوف بر دولت اسلام و موجب وحشت قلوب
است محلی از برای سکوت نمی باشد . لهذا بر حسب
تکلیف خواهانیم که اعلی حضرت هاپونی بوطنیه
حراسی که در عهده دارید در این خصوص بذل
همت فرموده بعون الله تعالی و حوله اسلام را از
این غائله و قلوب را از وحشت متخلص - عموم
علماء و قاطبه مسلمین را ترین امتنان و تشکر فرمائید
(الاحقر محمد کاظم الطباطبائی)

دو سه روزی از اینوااقه گذشت و جواب
کای و شسانی برای حضرت آیت الله از طهران
نرسید - گذشته براین ازسراگر موثقه به حضرت
آیات الله خبر دادند که قشون روس محض جلوگیری
اردوهای ملی و باسم حایه از محمد علی واد

اثری شدند و بطرف قزوین و طهران رهسپارند این بود که جمیع علماء اعلام مصمم حرکت طهران شده - حضرت حجة الاسلام زاده خراسانی برای تحقیقات امور لازمه و مخبرات ضروریه قبل از وقت بکاظمین آمده و آقایان نجف هم مصمم حرکت به کربلا هستند . علماء کربلا تماماً با ایشان همراه وارد بکاظمین خواهند شد . و حضرت آیت الله نیز از سامره بکاظمین آمده به هیئت جامعه حرکت بجناب ایران خواهند نمود - چندین هزار اعراب در بیرون شهر نجف بخیه زده که در رکاب حضرات آیت الله بصوب ایران حرکت نمایند - درین چند روزه تلگرافات عدیده از حضرات آیت الله سرداران ملی و تبریز و خراسان و اسلامبول شده است . سواد آن تلگرافات تا کنون بدست نیامده - و همین قسم پروتکت های سخت بدوات روس نموده اند -

عمر الملك کاربرد از ایران و مصباح السلطان پسرشان شب و روز با قوسل روس در بغداد به مشاوره و مخابره و ناز و نیاز اند و بخیال فاسد خود میخواهند به پلتیک های پوسیده این هیجان را ساکت نموده و کار خویش را از پیش ببرند - نظر به بیکسانی قوسل روس دولت متبوعه او مجبور گردیده است که او را معزول و قوسل کرمانشاه را ببغداد بفرستد تلگرافی از تبریز از جناب ثقة الاسلام به بغداد رسیده قریب باین مضمون « اخبار حرکت آیت الله نجف اشرف به تبریز رسیده البته اخوان گرام آقا میرزا محمد و آقا میرزا محمود هم به همراهی آیت الله حرکت نمایند »

یکی از موثقین خبر آورده که الساعه تلگرافی از اسلامبول به قوماندان توپخانه بغداد باین مضمون رسیده که به آیت الله نجف اشرف تبلیغ نماید - « دوات علیه عثمانی با تمام قوای خود در تأیید و کمک ملت ایران در احقاق حقوق ملیه خویش حاضر میباشد » و ضمناً هم عرض شده است که عثمانی را صحت در سرحدات ایران واقع اند از دخولشان بایران جلوگیری نمایند - عنوان تلگراف ذیل را میخوانید امروز که ۲۴ جمادی الثانیه است حضرات آیت الله خراسان و مازندرانی سرداران ملی حضرت سپهدار اعظم و حضرت سردار اسعد و جمیع ولایات و ایالات مخیره فرموده اند - عن

تلگراف بدست نیامده خلاصه عنوانش از این قرار است « خلع محمد علی و نصب وایه بد و قبضه طهران و جهاد با مستبدین واجب عینی . و هرگز تشون روس نجف - اوز از حقوق خود نموده و بهر اداری استبداد اقدام کند دفاعشان واجب . و بهمن زودی مقام منبع ریاست روحانیه اسلامییه برای نجات مملکت اسلامی و نصیبه قطعی سلطنت شیعه حرکت بجناب ایران خواهند نمود

حبل امتن

این نکته پوشیده نیست که ایرانیها میخواهند حقوق همایکان خود را تلف کنند چنانچه آنچه امتیاز حاکم بر اندازیرا که در زمان استبداد بزر و زور از دربار خیانت شار حاصل نموده بودند در دوره مشروطیت هم امضا داشته و سعی تا امروز برخلاف آن بزمان نیاوردند . و روحانیت حقه و تمدن اسلامی ما هم درین یکساله اخیر با آنچه انقلابات پلتیکی و اجحافات سری و علی همایکان طاهر داشت که دیانت ما بدون جهت و سبب بی برخلاف اجاب حکم نمیدهد و بر عالمان آشکار گشت که ایرانیان طبعاً مخالف با اروپائیان و سایر ارباب مذاهب نباشند

ولی نه دیانت ما اجازه میدهد که همه گونه تصرفات غیر جائز همایکان سکوت اختیار ما ایم و نه شرف ملی ما تجویز میکند که برای دو روزه حیات مستعار خود ترك استقلال ابدی فرزندان خویش گوئیم . پس از يك سال تجاوزات سری و علی همایکان آخر مقام منبع ریاست روحانی اسلام را مجبور باحقاق حقوق ملی و صیانت مذهب مقدس جزیری داشت

همایکان ایران باید بدانند که ایرانیان محقوق احدی تجاوز نمی نمایند ولی دیانت و شرف ملیشان هم هرگز اجازه نمیدهد که به تجاوزات اجاب که ماحی استقلال آنها و علی اصحلال دیانتشان است تحمل نمایند

همایکان ایران باید بدانند که ایرانیان امروزه مرگ را ترجیح بر رکوب عار میدهند و هرگز تصور به نمایند که ایرانیان بسلك صد ساله (که ناشی از عیاشی پادشاهان سلف و تن پروری یا بی اطلاعی روحانیان بود) باقی مانده باحفاظت

نی معنی آنها از روی مرعوبیت تسلیم شود .
رؤسای روحان اسلام امروز واقف بمواقف عصر
و دامن مرور سیاست وقت شده . در طریق اتقای
این سلطنت اسلامی حتی از ریخته شدن خون خود
دریغ میدارند . و برخلاف مقررله سمد الدوله که در
تذکرات نادالی اسرار اظهار داشته « اگر ما میخواهیم
روور قشور روس را از آذربایجان خارج کنیم
محتاج به دوستان عراق سر بیزه و بجاه کرور بولیم »
عقیده شان این است که خروج قشور روس يك حق
عزت ملی و یکدوره دیانت حقه اسلامی در کار دارد
تا امروز همساکان آنچه در حال ما بدخرف
موده یا بواسطه مرعوبیت پادشاهان عیش پرست و
یا مدعی بر حیانت دربارین وطن فروش بوده است
امروز محمد امانه این مردود مرتجع گردیده قوای
روحان اسلام هم ضمیمه قوای ملت و دولت شده
و معنای يك قوت قوی التصوری حاصل نموده اند
همسایگان ما باید بدانند که امروزه هیچ ملت
و دولتی نیست که از اوضاع داخلی آنها واقف
نباشد . بر فرض هم که مواجیح خارجی در داخل آنها
به ایران مرتجع شود قوای قویه چهل کرور مات
باق است

همسایگان ایران باید از وضع کمون اسپانیا و
مراکو متنبه شد . و درس تور نباید که انقلابات
کونی تمام آنها هیچ وجه از اسپانیا کم نیست و نیز
میتوان ایرانیان را از مراکوئیایان کبر شمار آورد .
امروز اگر در ایران عربك از همسایگان ما سرگرم
شوند آتش حموده بمالكشان تسمی شده در گردد
که تا سا ارحمودک آن ماحر ماسد . و در صورت هم
که تمام خوش برسد معوض مع نص ان حاصل
کرده باشد . اینها امور طبیعی است و جلوگیری
از آن نمیتوان کرد

ایرانها را است که ترك مرعوبیت موهومی را
گفته تا يك قوت قلب محظ جنوی خویش بگویند
و اگر درین موقع نارك از حوی حی خود در
گذرند و انماص کنند خود را برای ای اندی
بمایان مرفی کرد . ناب حوامند ود که قانایب
استقلال و حفظ شئون مایه حویها ندارد . ان
مالم و رشید باشند . قیم ووصی ضرورت دارند .
در آن صورت بقا بداند که احب قیموهیب خود را

بآنها خواهند بولید

امروز روزیست که ایرانیان در حفظ یکدوره
از حقوق ملی خویش و يك وحدت از خاک مقدس
وطن خود از قربانی صد هزار نفوس باز نایستند .
اگر درین موقع حفظ استقلال خود را نمودند
اندالهم سعادت و شرافت در عالم زندگی توانند نمود
امروز وقت نرس برای ایرانیان نیست . هرگاه
ترسیدند مای محض شدند . این را هم باید دانست
که همسایگان از سر بیچی و قیام شما بیشتر مرعوب
اند تا شما از مداخلت و احتیاطات آنها . نهایت
این است که آنها مرعوبیت خود شان را مستور
داشته و رعایت خویش را بر شما مستولی ساخته اند .
ورنه آنها بیکو میداند که در محال است شما دوچار
چه ملیات علم حوامند گردید . از اطلاعات کونی
مملکت خود بهتر واقف اند . از مواجیح پلنیک
خارجی محوی اطلاع دارند . مقوله سیاسيون اروپا
را بیکو دانسته اند (که در حال در امور داخلی
ایران حرکت سیاسی را دعوت کردن است) ایرانیان
تجاوز محقوق احدی از همسایگان خود نباید نمایند
و همچون بر تجاوزات همسایگان هم هیچوجه رضا نباید
دهند . تا وقتی يك سرمار احدی در خاک ایران است
رؤسای روحان اسلام و ملت بحیثه ایران نباید از پای
نشینند و آرام گیرند . چه بودن يك سرمار احدی
در حال ایران ممکن است روری ناقصای پلنیک
سلب حقوق ایرانیان را سبب شود

ایرانیان هرگز از دولت انگلیس متوقع نبودند
که در چه موقع نارك بدون هیچ ضرورت (بواسطه
ماه دادن روس در اتقای قشور خود در شمال)
یک دسته سرمار و توب شیرار فرستند . و همین
قدر میگوایم که دولت انگلیس محض رعایت روس
حاجت هرت يك ملتی را برای خود نباید دعوت
باید که نتیجه خوب در عقب ندارد . و ما این
حرکت بدون ضرورت دولت انگلیس را رسانه
بروتس می مایم و استدعا می کنیم که درین موقع
نارك ایرانیان را محال خود گذارند و خیلی خوف
از آن داریم که این مسئله قسمی دیگر کسب اهمیت
باید و ممکن است همین حرکت مزید بر اثناش
جنوب گردد در آن صورت ذمه دار را دولت
خواهیم دانست